

کارگر کمونیست ۹۸

دو هفته یکبار، پنجشنبه، منتشر میشود

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران - درباره مسائل جنبش کارگری

kargar_komonist@yahoo.com

www.wpiran.org/kk-index.htm

طبقه کارگر اروپا: میراث ایدئولوژیک قرارداد اجتماعی

بخش اول

نوشته اسپیورن وال

ترجمه: محمد کاظمی و ناصر اصغری

اجتماعی" جنبش اتحادیه ای را به بیراه می برد.

تهاجم نئولیبرالی

پشت این وقایع، تغییرات بی وقته نئولیبرالی جوامع ما قرار دارد. گرچه این پروسه موضوع بحث این نوشته نیست، اما اجازه دهید که فقط به چند نکته مهم اشاره بکنیم. طی ۲۰ سال گذشته، با فشار عظیمی از جانب نیروهای نئولیبرال صفحه ۴

سرمایه‌داری بعد از جنگ جهانی دوم بود، امروزه آشکارا سرگیجه گرفته و بدون افقی روشن در جهت‌گیری جدید اجتماعی و سیاسی خود دچار تردید شده است. طنز مسئله در آن است که همان تئوری‌ها، تحلیل‌ها و سیاست‌هایی که در دوران بعد از جنگ به آن قدرت داده بودند، امروزه شدیداً دست و پا گیر شده اند. اینک میراث ایدئولوژیک "قرارداد

جنبش اتحادیه ای در اروپا در موقعیتی تدافعی قرار دارد. هم چنین در یک بحران عمیق سیاسی و ایدئولوژیک فرو رفته است. در حال حاضر اتحادیه‌های کارگری قادر به ایفای نقش خود به مثابه مدافعین بلاواسطه منافع اقتصادی و اجتماعی اعضای خود نیستند. از همه بخش‌ها و صنایع عقب نشینی کرده‌اند. جنبشی که زمانی قوی‌ترین و با نفوذترین جنبش در دنیای

کارگران کاغذ سازی کارون شوستر

یک گام به پیش در جدال برای زندگی

و وعی‌دها و دروغ‌گوئی‌ها پر شده است تصمیم به تجمع اعتراضی در مسیر سفر دور دوم احمدی نژاد به استان خوزستان در اهواز گرفتند. کارگران روز سه شنبه ۲۶ آذر ماه از ساعت ۶ صبح در ترمینال مسافری شهرستان شوستر حضور بهم رساندند و با اتوبوس و وسائل شخصی سواری راهی اهواز شدند و با حمل پلاکاردهای اعتراضی که از صفحه ۴

هایشان در مقابل دفتر ریاست جمهوری و مجلس دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. وی ضمن درخواست های مکرر خواهان مهلت از کارگران شد و قول داد که مشکل کارگران را در مجلس پیگیری خواهد کرد تا اینکه بالاخره روز ۶ آبانماه ۸۷ خبر از تشکیل "ستاد بررسی و رفع مشکل کاغذ سازی کارون" توسط وزیر صنایع و معادن داد. کارگران که گوششان از این وعده

اکبر پویا فر - از ایران

کارگران کاغذ سازی کارون شوستر به جدال برای زندگی مصم و پیگیر ادامه میدهند. در همین راستا کارگران چندین بار به سید محمد سادات ابراهیمی نماینده شهرستان شوستر در مجلس شورای اسلامی اولتیماتوم دادند مبنی بر اینکه چنانچه به خواست کارگران رسیدگی نشود، کارگران و خانواده

کمپین اعتراضی کارگران برای خواست افزایش دستمزدها

صفحه ۱۵

یادادشهای یک کارگر - آدم چند منظوره

یاشار سهندی از ایران - صفحه ۶



کاظم نیکخواه

جراحی اقتصادی: تلاش مرگ و زندگی توسط حکومت اسلامی

بخش اول

حکومت اسلامی طرح "جراحی

اقتصادی" اش را با تصویب شدن در مجلس اسلامی رسمیت داد. این طرح روز ۱۰ دی با ۱۲۷ رای موافق به تصویب رسید. با یک بررسی ساده اقتصادی و به اصطلاح "کارشناسانه" میتوان نشان داد که اقتصاد کنونی ایران تاب تحمل این شوک اقتصادی را ندارد. این اقتصاد دچار بحران رکود و تورم همزمان است. و این طرح یک شوک توری می شدید را بر اقتصاد وارد میکند. اما جمهوری اسلامی تمام تلاش را بر

صفحه ۳

دستگیری فعالین کارگری را محکوم می کنیم!

نامه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به سازمانها و نهادهای انساندوست در سراسر جهان - صفحه ۲ و ۱۴

نامه ای از فرزاد کمانگر: آقای اژه ای، بگذار قلبم بتپد صفحه ۱۶

کارگران عقب نمی نشینند

مصاحبه "روز" با سعید ترابیان عضو مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد - صفحه ۱۳

اخبار اعتراضات کارگری در ایران

صفحات ۱۲-۸

مبارزه مستمر در یونان - صفحه ۷

نامه حمایتی فدراسیون سندیکاهای هلند از منصور اسانلو و دو خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دستگیری فعالین کارگری را بشدت محکوم می کنیم!

تمامی دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند

ها، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی اطلاعیه ای در ۷ دیماه اعتراض خود را نسبت به دستگیری ابراهیم مددی و دیگر فعالین کارگری اعلام داشت. همچنین کنفدراسیون سراسری کارگران انگلستان (تی یو سی) دستگیری ابراهیم مددی و محسن حکیمی را محکوم کرد.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی دستگیری ابراهیم مددی، بیژن امیری، محسن حکیمی، بختیار رحیمی و پدرام نصرالهی را به شدت محکوم میکند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنان از زندان است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان خواهان لغو تمامی احکام صادر شده برای کارگران شرکت واحد، لغو پرونده های تشکیل شده برای کارگران نیشکر هفت تپه و آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی کارگران و همه مردم را به مبارزه متحدانه برای آزادی کارگران دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی و به مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی فرامیخواند و از تمامی سازمانهای انساندوست و آزادیخواه در سراسر جهان، انتظار دارد که ضمن محکوم کردن این دستگیریها، اقدامی عاجل و اضطراری برای آزاد شدن فوری و بدون قید و شرط این دستگیرشدگان از زندان و متوقف شدن تهدیدات رژیم اسلامی بر فعالین و رهبران کارگری را در دستور خود بگذارند.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

۷ دی ۱۳۸۷ - ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸

- روز ۴ دیماه نیز نیروهای امنیتی به منزل پدرام نصرالهی فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری حمله کرده و او را دستگیر و برخی اموال شخصی وی را با خود بردند. طبق این خبر نیروهای امنیتی به تعقیب تعدادی دیگر از فعالین کارگری پرداخته و با تماس تلفنی از خانواده هایشان خواسته اند که خود را به اداره اطلاعات محل زندگی خود معرفی کنند.

این درحالیست که برای ۶ نفر از اعضای سندیکای شرکت واحد به اسامی یعقوب سلیمی، سعید تریبان، عطا باباخانی، علی زاده حسین، عباس نژاد کودکی، و داود رضوی بین ۶ تا ۱۴ ماه حبس تعلیقی صادر شده است و منصور اسانلو یکسال و نیم است که در زندان بسر میبرد. همچنین روز ۳۰ آذر ۵ نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه، بنامهای علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری مهدردادگاه دزفول مورد محاکمه قرار گرفتند که احکام آنها هنوز صادر نشده است و ابراهیم گوهری یکی دیگر از کارگران سندیکای شرکت واحد نیز که در تاریخ مورد بازجویی قرار گرفته بود منتظر حکم خود هستند.

این دستگیریها و این محاکمات و پرونده سازی ها برای فعالین و رهبران کارگری در شرایطی صورت میگیرد که جنبش اعتراضی در جامعه، خصوصاً مبارزات کارگران در ایران هر روز گسترش بیشتری می یابد و کارگران

بیش از هر وقت بر حق مسلم خود، حق تشکل و برخورداری از یک زندگی انسانی تاکید دارند. با انعکاس سریع خبر این دستگیری

در چند روز اخیر جمهوری اسلامی دست به یورش جلید به فعالین و رهبران کارگری زده و تعدادی را دستگیر کرده است. در همین رابطه روز ۷ دیماه ساعت ۲ عصر، ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه توسط مامورین لباس شخصی جمهوری اسلامی با حضور نیروی انتظامی دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل گردید و علیرغم پیگیری های اعضای سندیکا، هنوز از محل نگهداری ایشان هیچ گونه اطلاعی به دست نیامده است. موارد دیگر این دستگیری ها به قرار زیر است:

- بنا به گزارشات منتشر شده، روز ۲ دیماه، حراست کارخانه ایران خودرو بیژن امیری عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و از کارگران این کارخانه را دستگیر و به نیروهای امنیتی تحویل داد. همچنین در همان شب و هنگام یورش نیروهای حکومتی به خانه بیژن امیری، محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان ایران و از فعالین کمیته هماهنگی که در خانه او بود، نیز دستگیر گردید. بنا به خبری که خانواده و وکیل محسن حکیمی در اختیار رسانه ها قرار داده اند، در حال حاضر محسن حکیمی و بیژن امیری در بند ۲۰۹ اوین زندانی می باشند.

- روز ۳ دیماه، بنا به خبر دیگری که "انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران" در اختیار سایتها قرار داده است، نیروهای اداره اطلاعات استان کردستان، بختیار رحیمی را که سال گذشته چند ماهی را در زندانهای جمهوری اسلامی گذراند و مدت زمان زیادی نیست که آزاد شده است، بار دیگر دستگیر کرده و به مکان نامعلومی می برند.



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

کارگر کمونیست

نشریه ای از حزب کمونیست کارگری ایران

درباره مسائل جنبش کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

Email: kazem.nikkhah@googlemail.com

هیئت تحریریه

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

شاهلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

حسن صالحی

hasan_salehi2001@yahoo.com

Tel: 0046 739 318 404
Fax: 0046 864 897 16
markazi.wpi@gmail.com

دفتر
مرکزی
حزب

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

مورد اثرات ویران کننده این طرح همدارهای جدی می‌دهند، و حتی مهره‌های مهمی از حکومت از جمله لاریجانی رئیس مجلس و احمد توکل‌ی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس و غلامرضا مصباحی مقدم رئیس کمیسیون ویژه طرح تحول و کمیسیون اقتصادی مجلس و شماری دیگر از این قبیل بشدت با این طرح مخالفت می‌کنند، و از "بحران اجتماعی" و "تکانه‌های شدید اجتماعی" در اثر این سیاست هشدار می‌دهند، جمهوری اسلامی مصمم شده است که این طرح را به اجرا بگذارد؟

در واقع حکومت اسلامی با این طرح دارد به جنگ و مرگ و زندگی اش دست می‌زند. جمهوری اسلامی می‌داند که برای سرپا ماندن باید به فضای مزمن و طولانی جنگ با کارگران و مردم پایان دهد. باید نشان دهد که مردم این حکومت را پذیرفته‌اند و به آن تمکین کرده‌اند. باید به فلج و بحران اقتصادی مزمن پایان دهد. جمهوری اسلامی با این طرح قرار است یا در نظر دارد تا دیر نشده گام اساسی را در این جهت بردارد. این طرح قرار است اقتصاد را تماما لیبرالیزه کند و دست دولت را از اقتصاد کوتاه کند و تمام فعل و انفعالات اقتصادی را به عهده بازار و به همت سرمایه دارن بگذارد. و از این طریق فضای امن و پرسودی را برای سرمایه داران فراهم آورد که با فراغ بال به سوی بازارهای اقتصادی ایران روی آورند. این یعنی تلاشی و تقلایی جدی برای به سرانجام رساندن جنگی که طی سی سال روی کار بودن حکومت با کارگران و مردم جریان داشته است و به سرانجام نرسیده است. این یعنی تلاش و تقلایی برای اینکه این حکومت کارگران و مردم را به پذیرش و تمکین به حکومت و شرایط سیاسی و اقتصادی موجود مجبور کند. این جنگ قرار است با این طرح تمام

طرحی با یک پای شکسته

سیاست یا طرح جراحی اقتصادی جمهوری اسلامی سال گذشته بطور مشخص مطرح شد. اما عمر این طرح بیش از اینهاست. در واقع روی کار آمدن باند احمدی نژاد و اژه‌ای و پورمحمدی و شرکا در سال ۸۴، با هدف مشخص این طرح انجام گرفت. شاید خیلی‌ها بیاد داشته باشند که احمدی نژاد قبل از رسیدن به حکومت و بلافاصله بعد از آن بارها از لزوم "جراحی اقتصادی" و تحول اقتصادی و بردن پول نفت به سر سفره مردم و "شفاف سازی صنعت نفت و گاز" و "مبارزه با مافیای اقتصادی" و امثال اینها سخن گفت. او در واقع همین طرح را از همان ابتدا در حیب داشت. جمهوری اسلامی میدانست و میداند که چنین شوکی که بقول لاریجانی در همان قدم اول هزینه هر فرد را "تا چهارصد هزار تومان در ماه" افزایش می‌دهد، و بقول یک کارشناس اقتصادی حکومت باعث تعطیل بسیاری از مراکز تولیدی کوچک و گسترش بیکارسازیها خواهد شد، آن هم در ادامه فضای فنی الحال فلاکت بار کنونی، به سرکوب خونین و حکومت نظامی و فضای رعب و سکون نیاز دارد. باند احمدی نژاد بعنوان تنها نیروی درون حکومت که این ظرفیت را بیش از همه دارد و کارنامه روشنی در این زمینه داشت از ته لیست جلو کشیده شد. یک مشت جنایتکار حرفه‌ای و تیر خلاص زن و کشتارگر و شکنجه‌گر و به مفهوم دقیق کلمه جلا دهنده همراه سپاه پاسداران و اوپاش و اراذل به سر کار کشیده شدند تا یک حکومت نوع پینوشه و سوهارتو و صدام در ایران را پیاده کنند. این‌ها آمدند و از "احیای خط امام" و "ارزشهای امام" و سیاست امام سخن گفتند و منظورشان دقیقا همین بود که میخواستند سال ۶۰ و ۶۷ یعنی سیاه‌ترین دوره توحش حکومت اسلامی را در ایران دوباره

احیا کنند. اما هنوز بسر کار نیامده شکست خوردند. شورشهای شهری در همان آستانه سرکار آمدن این حکومت به جریان افتاد که نمونه شاخصش شورش چندین روزه مردم مهاباد در اعتراض به قتل یک جوان در زندان بود. بیشترین اعتصابات کارگری برای گرفته حقوقهای معوقه و مقابله با اخراجها در این دوره به جریان افتاد. اعتراضات دانشجویی مهم و گسترده‌ای در همین دوره به جریان افتاد و جناب سرجلاد یعنی احمدی نژاد را مجبور به غلط کردم کرد. دوره سه چهار ساله حکومت احمدی نژاد را میتوان دوره زیر پا گذاشتن آشکار قوانین و مرزهای جمهوری اسلامی توسط مردم نامید. در این حکومت اعتصاب ممنوع است اما هرروز بعضا چندین اعتصاب کارگری صورت گرفته است. در این حکومت تشکل ممنوع است اما کارگران و بخشهای مختلف مردم آشکارا دارند متشکل به میدان می آیند. ابراز عقیده ممنوع است اما مردم حرفشان را با صدای رسا اعلام میکنند و به سرتاپای حکومت اعتراض میکنند. دانشگاهها در جوشش و التهاباند. کار بجایی رسیده که حکومت رسما مجبور شد "مانور ناجا" راه بیندازد تا خود را برای مقابله با "بحرانهای اجتماعی" و چالشهای اجتماعی آماده کند. شعارهای دانشجویان در ۱۶ آذر امسال که فاشیست بروگمشو و "سید علی پینوشه ایران شیلی نمیشه" به بهترین وجهی شکست سیاست بازگشت به سال ۶۰ و ۶۷ را بیان کرد.

آنچه می‌خواهم بگویم اینست که طرح یا استراتژی "جراحی اقتصادی" فنی الحال یک پایه مهم خود را که ایجاد فضای رعب و حکومت نظامی است از دست داده است.

بحث بر سر این نیست که این حکومت دیگر قدرت سرکوب ندارد. یا دست به تهاجمات دیگری نخواهد زد. در واقع جنگی در جامعه جریان دارد که علی‌رغم تعرض بیشتر حکومت، در همین دوره وزنه اش به سود مردم چرخیده است. صدای اعتراض در جامعه بلند است. اعتراض به گرانی و فقر بویژه میلیونی است. پای اصلی این اعتراضات را هم اعتراضات کارگران تشکیل میدهد. خود این اعتراضات فضا را برای مقابله مردم با سیاستهای سرکوبگرانه حکومت علیه زنان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم مهیا تر کرده است. اکنون حکومت در آستانه انتخابات ریاست جمهوری قرار دارد و جناحهای مختلف حکومت به دلیل همین ناکامیهای حکومت باند احمدی نژاد و سپاه پاسداران، از کنار زدن آن سخن می‌گویند. اما خامنه‌ای آشکارا به حمایت از آن برخاسته و تلویحا اعلام کرده است که در دور آتی هم همین باند را سر کار نگه خواهد داشت. این به معنای اینست که او می‌خواهد دور آتی حیات جمهوری اسلامی را به جنگ و گریز با مردم برای اجرای طرح "جراحی اقتصادی" تبدیل کند. سوال اینست که آیا در فضای پر التهاب کنونی در جامعه آیا جمهوری اسلامی میتواند کوچکترین چشم اندازی برای پیروزی و موفقیت این طرح را در برابر خویش ببیند؟ و آیا حتی شرایط اقتصادی و بحران جهانی اقتصادی جنبه اقتصادی آنرا هم با موانع جدی تری نسبت به قبل مواجهه نکرده است؟ در این زمینه و استراتژی مقابله با حکومت در این مورد در شماره بعدی سخن خواهیم گفت.

..ادامه دارد

کارگر کمونیست را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان برسانید!

زنده باد سوسیالیسم!

کارگران کاغذ سازی ...

از صفحه ۱

قبل بهمین منظور تهیه کرده بودند در مسیر سفر احمدی نژاد جلوی مصلی رسیده به چهار راه آبادان تجمع کردند.

ماموران انتظامی و امنیتی با جلوگیری از حضور کارگران با پلاکارد و نوشتن اسامی سه تن نمایندگان کارگران معترض جهت دیدار با احمدی نژاد، پلاکاردهای کارگران را ضبط کردند. نمایندگان کارگران موفق شدند در کمیته بحران که متشکل از ۵ وزیر منجمله وزیر نفت بود حضور یابند و مشکلات کارگران را مطرح و خواستار رسیدگی شوند. کارگران پس از بازگشت به شوشتر بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۷ آذر ماه ۸۷ نیز با پریانی تجمع اعتراضی قصد ورود به سالن مسجد آل طیب که مشاور رئیس جمهور در آنجا حضور یافته بود را داشتند که از ورود آنان بشکل جمعی ممانعت شد اما نمایندگان کارگران توانستند به داخل سالن رفته و اعتراض خود را به مشاور رئیس جمهور اعلام نمایند و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان شوند. روز پنجشنبه ۲۸ آذر ماه نیز کارگران به تجمع اعتراضی جلوی فرمانداری دست زدند.

کارگران که هر روز بر سر کار در کارخانه حاضر میشوند در ساعت ۸ و نیم صبح روز شنبه هفتم دیماه ۸۷ بدنبال سخنرانی اهانت آمیز ریانی مدیر عامل شرکت، وی را بهمراه ملکی رئیس امور اداری و جانشین

مدیریت و فلاح مدیر امور مالی از کارخانه بیرون انداختند و خودروهائی را که در اختیارشان بود از آنان گرفتند. بدنبال این اقدام کارگران میگویند این دومین بار است که از غارت و چپاول اموال کارخانه توسط ریانی و همدستانش در هیئت مدیره شرکت جلوگیری بعمل می آورند. روز بعد یکشنبه ۸ دیماه سه نفر از نمایندگان کارگران با خواست بازگشت بکار و ادامه کار شرکت و سایر مطالباتشان به فرمانداری مراجعه کردند. علی اصغر قوچانی فرماندار شهرستان شوشتر خبر از مصوب شدن بازگرداندن کارخانه به بانک صنعت و معدن در دور دوم سفر استانی هیئت دولت و راه اندازی کارخانه داد.

کارگران میسوزند اما نمیسازند

کارگران و خانواده هایشان ۲۱ ماه است که از شمول بیمه تامین اجتماعی خارج شده اند و فاقد دفترچه بیمه بوده و هیچگونه دستمزدی دریافت نکرده اند و با فقر و نداری دست و پنجه نرم میکنند. برای تامین مخارج معیشتی و ادامه تحصیل فرزندان شان ناگزیر از قرض و قومه و بعضا فروش لوازم منزل و فرش زیر پایشان شده اند. کارگران که از داشتن دفترچه های درمانی تامین اجتماعی محروم شده اند خود وهمسر و فرزندانشان اغلب بخاطر بی پولی ناچار از تحمل درد و رنج ناشی از

بیماری هستند. بعضی از کارگران به بیماریهای روانی مهلکی دچار شده اند و حتی یکی از کارگران جانش را در اثر بیماری و ناتوانی در پرداخت هزینه های سرسام آور درمانی از دست داده است. یکی دیگر از کارگران در اثر فشار و ناراحتی مبتلا به ریزش مو شده است. تنی چند از کارگران مبتلا به از دست دادن مشاعر و راه رفتن با پای برهنه شده اند. اینها و بسیاری موارد دیگر عوارض ناشی از تحمیل شدیدترین شرایط ضد انسانی و فقر و فلاکت مفرط، قطع دستمزدها و عدم برخورداری از حداقل حقوق پایه ای برای زندگی منجمله بیمه تامین اجتماعی به کارگران است. علیرغم تحمیل این شرایط طاقت فرسا کارگران تسلیم جنگ فرسایشی دولت و کارفرما نشدند و تجمعات اعتراضی متعددی در مقابل مراکز رژیم در محل نظیر فرمانداری، اداره کار و استانداری در اهواز و همچنین راهپیمائی با شکوه در سطح خیابانهای شهرستان شوشتر و برپائی تجمع اعتراضی جلوی دفتر ریاست جمهوری در تهران در دو نوبت سازمان دادند. طی اینمدت بر خواست های برحق خود پافشاری کردند و با وجود مواجه شدن با سرکوب و ضرب و شتم توسط گارد رئیس جمهوری در تهران و نیروی انتظامی در اهواز مقابل استانداری که به مصدومیت تعدادی از کارگران و تحمل درد و رنج ناشی از اسپری گاز فلفل انجامید به مبارزه و استقامت خود ادامه دادند و از

تحلیل زیر بر اساس این برداشت است که اتحادیه اروپا امروزه کانال نهادینه کردن الگوی اجتماعی و اقتصادی تئولیرالی در اروپاست. اتحادیه اروپا و سایر نهادهای منطقه ای و فراملی بر اساس توازن قوای جدید بنا نهاده شده اند و قابل تغییر، دموکراتیزه شدن و شکست دادن نیستند؛ مگر اینکه کارگران قادر شوند توازن قوا را به نفع خود تغییر دهند. لازمه ایجاد چنین تغییری بسیج قدرت توده ای و طبقه کارگر است که وظیفه دراز مدت جنبش اتحادیه ای است.

پانشتستند. در سال ۸۳ کارخانه کاغذ سازی که ۶۲ میلیارد تومان ارزش گذاری شده بود از طریق سازمان خصوصی سازی با دلالتی شرکت آتیه دماوند تنها با مبلغ ۹۵ میلیون تومان نقد و تعدادی چک به شرکت سرمایه گذاری استقلال واگذار گردید. اقدامی که موجب بلاتکلیفی ۲۳۰ کارگر این کارخانه گردید. مدیر عامل این شرکت که علیرغم ممنوع الخروج بودن در دوی بیسر میبرد تا کنون به تعهدات خود عمل نکرده و تصمیم به اخراج کارگران گرفت که با اعتراض و مقاومت و مبارزه کارگران روبرو گردید. مانع اصلی در چپاول کارخانه توسط کارفرما و عوامل ریز و درشت حکومتی، کارگران و خانواده هایشان بودند که طی این چهار سال دست از مبارزه نکشیدند و اجازه ندادند اموال شرکت توسط کارفرما و عوامل حامی او دهریئت مدیره شرکت و استانداری و سایر مراکز دولتی را به تاراج ببرند.

فشار مبارزاتی بی امان کارگران موجب شد که بالاخره دولت تصمیم به فسخ قرارداد با کارفرما و بازگرداندن مالکیت کارخانه به بانک صنعت و معدن بگیرد. مشکل کارگران اما مالکیت خصوصی یا دولتی و بانک نبوده و نیست. کارگران کاغذ سازی که اکنون موفق شده اند به بلاتکلیفی وضعیت اشتغال خود وعدم راه اندازی کارخانه پایان دهند در اولین

شرایط جدید، سیاست کهنه

متاسفانه امروزه بسیج قدرت طبقه کارگر پروژه جنبش اتحادیه ای در اروپا نیست. تناقضی که طبقه کارگر با آن روبروست این است که در حالیکه آن فضای اقتصادی و سیاسی ای که اتحادیه در آن باید فعالیت کند به شدت تغییر یافته است، اغلب اتحادیهها همان سیاست قرارداد اجتماعی را دنبال می کنند. آنچه که به "جهانی شدن" معروف شده است را نه نتیجه یک استراتژی آگاهانه و رابطه تازه و توازن قدرت بین کار و سرمایه، بلکه بیشتر به صورت نتایج

قدم بعدی خواهان تامین شغلی، دریافت غرامت نپرداختن دستمزد بمدت ۲۱ ماه و برقراری فوری بیمه تامین اجتماعی و تحویل دفترچه های بیمه و احتساب این مدت بعنوان سابقه بیمه میباشند. کارگران طی اینمدت از طریق طرح دعوی و شکایت موفق شده اند که حکم بازگشت بکار خود را از اداره کار و تامین اجتماعی شهرستان شوشتر دریافت کنند و هرروز در محل کار حاضر شده اند. بدین ترتیب خواست های کارگران علاوه بر حقانیت بر پایه ی قانونی نیز استوار است. برگزاری مجمع عمومی ظرف اتحاد و همبستگی کارگران در مقابل توطئه های دولت و کارفرما و عوامل اوست. اطلاع رسانی و جلب توجه رسانه ها و خبرگزاریها و مردم در محل و حضور اعتراضی در گرد همائی های مسئولین رژیم و الزام به قرار دادن مشکلات و مطالباتشان در دستور کار آنان یکی از عوامل مهم در ادامه کاری و موفقیت مبارزاتشان بوده است. یک عامل مهم دیگر و رمز اتحاد و تحکیم روحیه مبارزه جوئی کارگران، برپائی مجمع عمومی و گرد هم آمدن و تصمیم گیری جمعی در محل کار و همچنین در محل "تعاونی مسکن کارگران" و یا پارک آزادگان علیرغم مزاحمت نیروی انتظامی در برخی موارد است و باید بطور منظم ادامه یابد

ضروری تغییرات تکنیکی و سازمانی میدانند. استدلالی شبیه به حرفهای مارگارت تاچر که بی شرمانه می گفت "آلترناتیو دیگری وجود ندارد". می گویند که لازم است همان سیاست قرارداد اجتماعی را از سطح ملی به سطح منطقه ای و جهانی منتقل کنیم. متدشان "دیالوگ اجتماعی" با سازمانهای کارفرمایی و نهادهای دولتی و فرادولتی، کمپین هایی برای معرفی رسمی استاندارد های کار (مانند مقررات سازمان جهانی کار ILO که شامل ممنوعیت کار اجباری، تضمین حق تشکل و قرارداد

طبقه کارگر اروپا: میراث ...

از صفحه ۱

مواجه بوده ایم. سرمایه داری دست به حمله زده و شاهد تغییر توازن قوا بین کار و سرمایه بوده ایم. البته که شرکت های چندملیتی در رأس این تحولات قرار داشته اند. "قرارداد اجتماعی" بین کار و سرمایه بعد از جنگ، و سیاست همزیستی مسالمت آمیز بین اتحادیه ها و کارفرماها به هم خورده است. قطب سرمایه از این قرارداد اجتماعی عقب نشسته و بطور فزاینده ای سیاستهای خصمانه ای علیه کارگران متشکل را در پیش گرفته است.

تلاش های شرکت های چندملیتی و نوکران سیاسی شان برای تشدید نهادینه کردن این موقعیت تازه به دست آمده در قدرت خود، اجزاء مهم این تغییرات هستند. این امر عمدتا از طریق مؤسسات بین المللی چون سازمان تجارت جهانی و قدرتهای منطقه ای چون اتحادیه اروپا متحقق شده است. از آنجا که این نهادها نسبت به دولتهای محلی و استانی کمتر دموکراتیک هستند، مؤثرترین مفیدترین نهادهائی برای نهادینه کردن قدرت کنوپراسیونی هستند.

طبقه کارگر اروپا: میراث ...

از صفحه ۴

دسته جمعی، ممنوعیت تبعیض در امر استخدام هم می شود) و گنجانند آنها در قرارداد های بین المللی و سازمانهای تجارتي و همچنین تعقیب مسئولیت اجتماعی کمپانی ها در قبول استانداردها و توافق با کمپانی های چندملیتی است. اما این مقررات داوطلبانه، غیر اجباری و غیر قابل اجرا هستند که توسط خود کمپانی های چندملیتی وضع شده اند. آنها تا بحال هیچ تأثیر قابل مشاهده ای بر روی رفتار کمپانی ها نداشته اند و به نظر میرسد هدف اصلی شان خنثی کردن تصور عمومی منفی بسیاری از کمپانی های چندملیتی در افکار عمومی است.

این استراتژی "دیالوگ اجتماعی" مستقل از يك تحلیل مشخص از توازن قوا و بدون درك ضرورت بسیج طبقه و نیروی مردمی برای تغییرات اجتماعی دنبال می شود. اگر بخواهیم اوضاع جاری و بحران سیاسی و ایدئولوژیک طبقه کارگر را درك کنیم، باید در تاریخ جنبش کارگری اروپا دقیق شویم و مشخصا تاریخ قرارداد اجتماعی را که این همه در باره اش غلو می شود، از نزدیک مورد توجه قرار دهیم.

سازش تاریخی کار و سرمایه

طی قرن بیستم، جنبش اتحادیه ای در اروپای غربی به تدریج به نوعی سازش صلح آمیز با سرمایه رسید. در دهه ۱۹۳۰ و در زمانی که جنبش اتحادیه ای مشغول بستن قراردادها با سازمانهای کارفرمایی بود، این سازشها برای نخستین بار در بخش هایی از اروپا، بخصوص اروپای شمالی رسمیت یافت. پروسه مشابهی بعد از جنگ جهانی دوم در بقیه اروپای غربی به پیش رفت.

این قرارداد اجتماعی بین نیروی کار و سرمایه پایه هایی را ساخت که موجب پیدایش دولت رفاه و بهبود تدریجی دستمزدها و شرایط کار شد. در مقایسه با دوره ای که با جنگ و تقابل سرمایه و نیروی کار مشخص می شد، جوامع وارد دوره ای از صلح اجتماعی مانند مذاکرات دوجانبه و

سه جانبه (کارگر، کارفرما، دولت) و سیاست توافق شدند. از آنجا که این سیاست به دست آورد های مهمی در زمینه رفاه و دستمزدها و شرایط کار منجر گردید، مورد حمایت وسیع طبقه کارگر قرار گرفت. در نتیجه کارگران رادیکالتر و بخش های ضد سرمایه داری جنبش کارگری بتدریج منزوی گردیدند. بدین ترتیب، تحت تاثیر این سیاست، جنبش کارگری غیر سیاسی و غیر رادیکال و جنبش اتحادیه ای نیز بوروکراتیزه گردید. از اینجا بود که احزاب سوسیال دموکرات بعنوان نقش تاریخی و برای اجرای این سازش طبقاتی وارد صحنه شدند. تعجب آور نیست که مشکلات فعلی اتحادیه ها در مشکلاتی که احزاب سوسیال دموکرات با آن روبرو هستند، منعکس می شوند.

تشخیص این مساله مهم است که مشارکت اجتماعی کار و سرمایه نتیجه قدرت واقعی اتحادیه ها و جنبش کارگری است. کارفرمایان و سازمانهایشان به این نتیجه رسیدند که قادر به شکست دادن اتحادیه ها نیستند. مجبور بودند که اتحادیه ها را به عنوان نمایندگان کارگران بپذیرند و با آنها مذاکره کنند. بعبارت دیگر، سازش مسالمت آمیز بین نیروی کار و سرمایه متکی بر يك جنبش قوی کارگری بود. عامل دیگر این سازش این بود که در دوره بعد از جنگ جهانی دوم، سرمایه داری برای بیش از ۲۰ سال از رشد اقتصادی قوی و پایداری برخوردار بود. این امر امکان تقسیم ثروت اجتماعی بین کار، سرمایه و رفاه عمومی را فراهم ساخت.

یکی از اجزاء تعیین کننده قرارداد اجتماعی، کنترل ملی سرمایه و بازارها بود. کنترل سرمایه قانون روز همه کشورها بود. توافقات بین نیروی کار و سرمایه، منظم و مسالمت آمیز در محدوده مرزهای ملی انجام می گرفت. يك نتیجه مهم این موضوع این شد که اتحادیه ها شدیداً محوری ملی گرا بیابند. انترناسیونالیسم در جنبش اتحادیه ای بتدریج به نوعی دیپلماسی

مابین نهادهای بین المللی (نظیر ILO) و حتی به انواع متفاوتی از توریسم اتحادیه ای، با ارتباط بسیار ضعیف و بی یی ربط به نیازهای آنی و مصالح اعضا تبدیل گردید؛ گرچه يك سری از لغافی های سیاسی در مورد "انترناسیونالیسم" دست نخورده باقی ماندند.

علیرغم لغافی های اتحادیه ها در مورد انترناسیونالیسم و سوسیالیسم، معنای قرارداد اجتماعی برای جنبش اتحادیه ای، گردن گذاشتن قطعی بر نظم کاپیتالیستی تولید، مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و حق کارفرما در هدایت پروسه و فرایند کار بود. برای دست یافتن به رفاه و بهبود شرایط کار، اتحادیه های کارگری در عوض متعهد شدند که آرامش در محیط کار را تضمین کنند و محدودیت بر مذاکرات بر سر دستمزدها را نیز تأمین کنند. اگر بخواهیم خلاصه کنیم، دولت رفاه و بهبود تدریجی شرایط زندگی، اموری بودند که جنبش کارگری با چشم پوشیدن از پروژه سوسیالیستی کسب کرد. امروزه می توانیم این نتیجه را بگیریم که این يك دستاورد کوتاه مدتی بر متن يك شرایط ویژه تاریخی بود که باعث غیرسیاسی شدن و از بین رفتن رادیکالیسم طبقه کارگر شد.

یکی از ویژگی های مهم این دوره وجود يك نظام اقتصادی رقیب در اتحاد جماهیر شوروی و اروپای شرقی بود. همانطور که اریک هاینریم مورخ انگلیسی در کتاب "عصر افراطها" اشاره میکند، این مساله در تن دادن سرمایه داران غربی به این سازش، کلیدی بود. بر اساس همین سازش بود که مهمترین فرمها و نهادهای رفاهی در طی سه دهه بعد از جنگ جهانی دوم در غرب بوجود آمدند. بعبارت دیگر، جنبش رادیکالیزه شده ای که از بحران اقتصادی-اجتماعی دهه ۱۹۳۰ و دوران جنگ بیرون آمده بود، با استراتژی آگاهانه ای از سوی سرمایه داران روبرو گردید. سرمایه داران خود "داوطلبانه" وارد قرارداد اجتماعی شده و تسلیم بسیاری از خواست های اجتماعی و اقتصادی کارگران شدند تا فرصت بیشتری به دست آورند و

احساسات سوسیالیستی را در جنبش کارگری فرونشانند. امروز وقتی به کل پروسه نگاه میکنیم باید بگوییم که این استراتژی سرمایه داران کاملاً موفقیت آمیز بوده است.

يك اثر جانبی مهم و قابل توجه این سازش طبقاتی، انشعابی تند در جنبش کارگری بود. شرایط خرید و فروش نیروی کار از طریق مذاکرات جنبش اتحادیه ای به پیش می رفت؛ در حالیکه امور مربوط به بیمه های اجتماعی برای بیکاران توسط احزاب سوسیال دموکرات در پارلمان رتق و فتق میشد. این خود باعث ظهور نگرشی محدود و اکونومیستی در جنبش اتحادیه ای شد، امری که امروز اتحادیه ها را تضعیف می کند. در حالیکه احزاب سوسیال دموکرات حتی از سیاست رفرمیستی گذشته خود نیز دست کشیده اند.

ایدئولوژی قرارداد اجتماعی

طی دوره قرارداد اجتماعی به نظر میرسد این استراتژی شرکتها جنبش کارگری را کور کرده بود. براساس تجربه واقعی بیست سال بهبود دائم در شرایط کار و زندگی، درك عمومی بر این بود که راهی برای دستیابی به پیشرفت اجتماعی و تقسیم نسبتاً عادلانه ثروت میان مردم عادی، بدون مبارزه طبقاتی و درگیری اجتماعی بدست آمده است. این طور تصور میشد که جامعه سرمایه داری به درجه بالاتری از تمدن دست یافته است. ظاهراً از طریق اصلاحات تدریجی جنبش کارگری موفق شده بود کنترل دموکراتیک بر اقتصاد را افزایش دهد. سرمایه داری بدون بحران به يك واقعیت تبدیل شده بود. (تصور میشد که) دیگر بحرانهای اقتصادی مشابه بحران دهه ۱۹۳۰، بیکاری گسترده، محنت اجتماعی و فلاکت برای مردم پیش نخواهد آمد. همه نمودارهای اجتماعی رو به رشد بودند. برای بسیاری در جنبش کارگری این راه رفرمیستی به سوی سوسیالیسم بود و همه می دیدند که کارآیی دارد!

این دستاوردهای واقعی اجتماعی پایه مادی ایدئولوژی مشارکت

اجتماعی هستند که هنوز هم در بوروکراسی اتحادیه ای اروپا عمیقاً ریشه دوانده است. شخصاً اولین بار وقتی با آن مواجه شدم که در اوایل دهه ۱۹۸۰ در دوره مقدماتی مرکز آموزش کنفدراسیون اتحادیه های نروژ شرکت کردم. آنجا این بحث و این ارزیابی را شنیدم که از مشخصه های يك سوم اول قرن بیست کشمکش شدید میان کار و سرمایه، از جمله اعتصاب عمومی، بستن کارخانه توسط کارفرمایان (lockout)، استفاده از پلیس و ارتش علیه کارگران سازمان یافته و کارگران اعتصابی بوده است. دوره ویرانگری بوده که در پایان (اواخر دهه ۳۰) طبقه کارگر را به جایی نرسانده بوده است. (بنا به این ارزیابیها) تنها زمانی که این سیاست کشاکش و جدال رها شد، وقتی اتحادیه های کارگری مسئولیت اجتماعی پذیرفتند، پیشرفت واقعی در شکل شرایط بهتر کار، دستمزد بالاتر و رفرمهای اجتماعی بدست آمد. به عبارتی دیگر نتیجه این میشود که کشمکش کارگران با صاحبکاران مخرب است و مذاکرات اجتماعی مسالمت آمیز تنها راه پیشرفت. این آموزشی بود که در مرکز آموزش اتحادیه کارگری حتی تا اوایل دهه ۱۹۸۰ تدریس می شد.

ارزیابی فوق آن موقع اشتباه بود و اکنون هم اشتباه است. اما در پی انفصال قرارداد اجتماعی، نتایج این اشتباه برای جنبش اتحادیه ای وخیم تر شده است. آنچه را این تحلیل پوشیده نگه می دارد این است که دستاوردهای جنبش کارگری در عرصه رفاه و شرایط کار در دوره سازش طبقاتی پس از جنگ جهانی دوم، نتیجه کشمکش دوره قبل از آن است. پیشرفت تنها به علت تغییر توازن قوا به سود نیروی کار در پی درگیری و مقابله با سرمایه و مبارزه طبقاتی حاد در سالهای اول قرن بیست (از جمله انقلاب روسیه) میسر شد. به عبارت دیگر، مبارزات طبقاتی حاد، دستاوردهای مذاکرات صلح آمیز دوره بعد را میسر کرد... ادامه دارد
برگرفته از: منتلی رابوشماره (ژانویه ۲۰۰۴)

یادداشت‌های یک کارگر

آدم چند منظوره

یاشار سهندی

«بد که نمی گذره!» این را سرپرست کارگاه گفت. کارگر که سنی ازش گذشته گفت: «نه! بفرما چای مهندس!» مهندس ادامه داد: «چایت را خوردی برو کمک غلام» کارگر گفت: «این که نمیشود. من کارم معلوم نیست. گاهی سر این کارم، گاهی سرون کار. شما هم که همه بچه ها را بیرون کردید و میخواهید که من جای چند نفر کار کنم» مهندس ادامه داد: «شما کار به این حرفها نداشته باش. ما اینجا آدم چند منظوره میخواهیم. شما الان که بیکار نشستید و چای میل میکنید خب برو کمک همکارت!» کارگر گفت: «من میگم نره شما میگوید بدو!» مهندس! کار من مشخصه، قرار نیست هر دم سر یک کاری باشم.» مهندس ادامه داد: «کی این قرار را گذاشته؟! من باید تعیین کنم که کی چکار کنه یا شما؟» کارگر گفت: «البته شما! اما من حرفم اینه روزی که آمدم اینجا گفتند فلانی تراشکاری بلدی؟ گفتم بله، گفتند کارت تراشکاری است. دیگه نگفتند هر وقت بیکار شدی یا کارت کم شد برو جوشکاری، بعد برو دستگاهها را تعمیر کن؛ بعد نمی دانم برو کف مستراح را بشور.» مهندس ادامه داد: «اینجا همه باید آچار فرانسه باشند. هر کاری ازش خواستند انجام بده.» کارگر گفت: «ببین مهندس من حوصله جرو و بحث ندارم. من کارم مشخصه همان کار را میکنم. به کار دیگری دست نمیزنم. شما وظیفه ات برای دستگاه تراش کار جور کنی.» مهندس ادامه داد: «تو برای من وظیفه تعیین میکنی!؟ من گفتم ما اینجا آدم چند منظوره میخواهیم. سیاست کاری ما بر این قرار گرفته. ببین میتونی با این شرایط کار کنی، بسمه اله.» کارگر گفت: «من برای شما وظیفه تعیین نکردم. من میگم شش تا دست ندارم. یک کار را بیشتر نمی توانم انجام

دهم.» مهندس ادامه داد: «بحث تمام است؛ چایت را که خوردی برو جوشکاری کمک غلام.» کارگر که خودش را آماده کرده بود یک چای داغ بنوشد و بعد پشت بندش سیگاری بکشد به فراغ دل؛ چای نخورده دو تا سیگار خرج خودش کرد و چای را که از دهن افتاده بود به روی زمین پاشاند و درد دلهايش را پیش غلام برد. اگر پای حرف کارفرما بنشینید اولین چیزی که خواهد گفت از زیر کار در رفتن کارگر است و چطور کارگر سعی میکند از زیر کار در برود! برای همین کار روز و شبش این است که نقشه بکشد که از یک کارگر چه جوری کار بیشتر بکشد. به شما با آمار و ارقام ثابت خواهد کرد یک کارگر در ایران کار مفیدش ۴۰ دقیقه است! تا چند سال پیش مثالش کارگر ژاپنی بود اما جدیداً کارگر چینی برایش شده مثال که چطور یک دقیقه را تلف نمیکند! ایشان برای شما جمع و تفریق خواهد کرد و نشان خواهد داد از زمانی که کارگر پای به درون کارگاه میگذارد چطور وقت تلف میکند و بسیار دقیق نشان خواهد داد که یک چای خوردن نیم ساعت را هدر میدهد. او البته قسم حضرت عباس خواهد خورد که سرمایه اش را مفت به چنگ نیاورده و برای آن عرق ریخته و خدا نکند که روزی هم خودش کارگر بوده باشد داستانهان خواهد گفت که چطور آچار فرانسه بوده و هر کاری که میگفتند با جان و دل انجام میداده اصلاً منتظر نمی مانده که به او بگویند که چکار کن. «خودم برای خودم کار جور میکردم!»

«آدم چند منظوره» آخرین نظریه پردازی او نیست اما آخرین لفظ جدید کارفرما است. یک کارگر باید همه کار بکند. از نظر ایشان معنی ندارد که یک نفر، یک کار را بکند. در چشم کارفرما کارگر موجودی موزی است که هر دم نقشه میکشد که یک جورهایی کار نکند. برای همین چهار چمی مواظب است. وقتی میبیند که کارگری برای لحظه ای آرام نشسته

گوشه ای، جگرش پاره میشود. فوری میگردد تا کاری برایش فراهم کند. او وقتی میبیند که کارگر تراشکاری قطعه کاری را به دستگاه بسته و دستگاه بنابه شرایط کار آرام آرام دارد میتراشد از اینکه میبیند کارگر تکیه به دستگاه داده نگران میشود که چرا همین چند دقیقه را او بیکار (!!)) ایستاده است. وای به حالی که آن دستگاه قطعه ای نداشته باشد که بتراشد!

کارگر اسمش رویش است باید مدام در حال کار باشد و کارفرما از زیر سنگ هم شده کار برایش فراهم میکند تا مبادا او تن پرور شود! «با دست آدم بخورد که دیگر نمی تواند کار کند!». کارفرما اما هر کلامی را همین جوری به زبان نمی آورد بلکه مانند یک دیپلمات کارکشته میداند که از کلمات چگونه استفاده کند. «آدم چند منظوره» اصطلاح من در آوردی نیست بلکه همه نیت کارفرما و این سیستم کثیف سرمایه داری را نشان میدهد. معنی بشری آن این است که از یک نفر تا جا دارد باید کار کشید. مهم نیست او تلف میشود. بشود، برای کی مهم است؟

فایده اش چه!؟

یک کوشش عظیمی در کار است که نشان دهند که جنبش کارگری ایران به جایی نخواهد رسید. در کدام کشور دنیا سراغ دارید که جنبش کارگری و اعتصابات کارگری در زمان حال یک پای معادلات سیاسی و اجتماعی جامعه باشد جز ایران؟ و بهمان نسبت از جانب عده ای سعی میشود نشان دهند که کارگران و جنبش کارگری عددی نیستند! برخی که خود را کاسه داغتر از آش میدانند و مانند یک مبصر بد اخلاق و بد عنق ظاهر میشوند و هر کوشش و تلاش کارگران را (در این جهنم سرمایه که بوسیله یک دولت وحشی و هار سازمان داده شده است) را «بی ثمر» میدانند. مدام بر زبانشان جاری است که «فایده اش چه!؟» ظاهراً چون همان اول و در هر اعتصاب و اعتراض کارگری پرچم سرخ سوسیالیسم البته به روایت ایشان

بالا نمی رود پس همه تلاشها کشک است. حالا ماجرا چیست؟ کارگران بخشهای مختلف در یک اقدام بجا و بموقع و لازم طوماری را منتشر کردند و بیان کردند که: «تامین یک زندگی شرافتمندانه و انسانی حق ما کارگران و تمامی مزد بگیران است و این خواستی است که ما با امضای این طومار مصرا نه بر آن پای می فشاریم» و باز کسانی که خود را مثلاً کمونیست میدانند در مقام «دفاع از طبقه کارگر» پا به میدان گذاشتند (نیت البته خیر است!) اما دوستی خاله خرسه را به تمام و کمال به نمایش گذاشتند!

سیاوش دانشور در مطلبی ضمن اینکه از این حرکت اعلام حمایت کرده اما این روش را «سیاست نوع خانه کارگری» دانسته و بیان کرده این نیز راه به جای نخواهد برد! خب نمیشود اسم خود را کمونیست گذاشت و از افزایش دستمزد کارگران حمایت نکرد اما این یک تعارف از سر اجبار است چون ایشان کلاً این اعمال را بیهوده میدانند. ایشان پرسیدند کدام حرکت واقعی پشتوانه این کار است؟! اگر کسی خود را کمونیست میدانند و اعتراضات هر روزه کارگران در ایران را نمی بیند معلوم نیست چه چیز را می بیند. شما خودتان را از ته پیراهن هم بیرون کنید که اعتصابات کارگران در چند سال گذشته نشانش دهید باز هم نخواهد دید، چون نمی خواهد ببیند. ایشان در مقام یک کارشناس مبرز فرمودند این حرکت «غیر حرفه ای» است! و از طرف «جمعهای بی هویت» است! و جای دیگر اشاره کردند «بدو!» مثلاً معلوم نیست که چه تعداد از کارگران هفت تپه این بیانیه را حمایت میکنند! از ایشان باید رسماً عذر خواهی کرد که قبلاً رفتارند رسمی برگزار نشده است!...

چند نقطه گذاشتم که ادامه ندهم اما باید به ایشان همین یک قلم را یادآور شوم که در انتخابات سندی کای هفت تپه در یکی و دومه پیش ۲ هزار نفر شرکت کرده بودند!...

راستش اما من دیگر حوصله ندارم بیشتر از این به بقیه نوشته

ایشان بپردازم؟! اما کسی اگر میخواهد از زندگی اش سیر شود و همه تلاشهای که تاکنون شده را بی ثمر بداند و کمایش مثل خود ایشان در درماندگی کامل فرو رود، برود نوشته ایشان را تا آخر بخواند که تحت عنوان «کمپین افزایش دستمزدها و چند ملاحظه» منتشر شده است. خیلی جالب است و بی نهایت غم انگیز که انسانهای کمونیستی که دو سال پیش در صف ما قرار داشتند و هر اعتصاب کوچک را یک قدم بزرگ در جنبش کارگری میدانستند، امروز این اقدام بزرگ و از نظر من مهم را یک اقدام «غیر حرفه ای» می شمارد که به جایی نخواهد رسید. حقیقتش را بخواهید ما گوشمان از این حرفها پر است. کمونیستهای دیگری هم بودند که خواستند کار دیگری کنند ایشان هم بی وظیفگی خودشان در قبال کارگران را به گردن خود کارگر انداختند و ترجیح بندشان شده کارگران دستشان به کلاه خودشان است که با نبرد. و ایشان نیز دارند مقدمات یک کار دیگر را میچینند (یا شاید هم چیده اند، خدا عالم است!) برای اینکه باید اول کارگر را نومیذ کنند که راه به جایی نخواهد برد. وقتی که دبیر یک تشکیلاتی که خودش را کمونیست هم میدانند بیان میکند که جمهوری اسلامی جان سخت تر از این حرفها است که سرنگون شود و لابد برای همین نامش را پای حرکت «ما هستیم» شهرام همایون هست؛ باید یکی دیگر از همان تشکیلات و عضو «هیات دایره» آن کمپین افزایش دستمزدها را بیهوده شمارد و به صراحت اعلام کند که این بیانیه افزایش دستمزدها مانند نود و نه درصد دیگر از همین نوع کارها بی ثمر میباشد. بله دیگر تا وقتی شهرام همایون هست دیگر کارگر این وسط چکاره است!

بهر حال من مرده و شما زنده، فردا روزی هم که در این مملکت پرچم سوسیالیسم کوبیده شود باز هم این مبصران بهانه پیدا میکنند که بگویند که بی فایده است، اصلاً دروغ است. میگویند نه! صبر کنید بزودی شاهدش خواهید بود. *

مبارزه مستمر در یونان

مایک بسلر (Mike Bessler)

ترجمه: محمد کاظمی

توضیح مترجم: مایک بسلر یک کمونیست آمریکائی است که

خودش را دوستدار منصور حکمت می داند. او یکی از مدیران اصلی سایت آرشیو مارکسیستها، <http://www.marxists.org>

عباس گویا این ارتباط امکان پذیر نمی بود.

از مهمترین و پر مراجعه کننده ترین سایت چپ دنیاست. مایک این نوشته را برای کارگر کمونیست نوشته و در یادداشتی که همراه این نوشته فرستاده بود، نوشته بود: "این نوشته برای من اهمیت خاصی دارد، چرا که حزب کمونیست کارگری، مردم یونان و



مقابل حکومتی پرداختند که بخاطر بی لیاقتی و خودخواهی خود منزوی شده بود. چنین ابراز حمایتی فقط به یونان محدود نمیشد بلکه شهروندان به حمایت از مردم یونان در خیابانهای آلمان، ایتالیا، شوروی، اسپانیا، دانمارک و هلند به خیابان

آمدند. حتی مردم ترکیه، که حکومتشان تاریخا با حکومت یونان اختلاف دارد، به حمایت از مردم یونان در مبارزه اشان علیه بی عدالتی اقدام به تظاهرات کردند.

مدیای سرمایه داری در پوشش خبری خود و در انتخاب اخبار از وقایع یونان بسیار یکجانبه عمل کرده است. تلویزیونهای اصلی خوشحال در نشان دادن ساختمان و ماشینهایی که در حال سوختن هستند؛ اما به ندرت ردپای پلیسی را نشان می دهند که با رفتارشان منجر به چنین وقایعی میشود.

حتی در روز یادبود الکسیس، پلیس به اذیت و آزار سوگوارانی که بطور مسالمت آمیز در مراسم عزای او حرکت میکردند پرداخت. از این گذشته، شواهد عکسبرداری نشان میدهد که ماموران پلیس، بعضی هایشان مجهز به باتون، در میان تظاهرات نفوذ کرده و وانمود کردند که دانش آموز هستند و در نتیجه دیگران را به ناآرامی و خشونت تحریک کردند. بدین طریق این فرصت را در اختیار حکومت قرار دادند که تظاهرکنندگان را به عنوان افرادی بی ملاحظه و متمرّد جلوه دهد.

داستان واقعی که در خیابانها و

را آشکار نمودند مردم غصه دار و عصبانی متوجه قضیه شدند.

صدای تفنگی که الکسیس جوان را از پای در آورد حقیقتا صدایی بود که در سراسر دنیا شنیده شد.

وقتی که خبر قتل الکسیس در سراسر آتن پیچید، خشم به حق مردم یونان راهگشای مخالفت جمعی و عمل توده ای شد. در هفتم دسامبر دانش آموزان به خیابان آمدند تا در مقابل دست درازیهای پلیس و حکومت تظاهرات کنند. قتل الکسیس نقطه ای بود که در آن کاسه صبر هزاران هزار دانش آموزی که قبلا از فساد حکومت، از بی عدالتی در مورد بودجه دانشگاهها و کمپین خصوصی کردن تحصیلات عالی بخشم آمده بودند لبریز شد. اعتراضات توده ای در مقابل هرگونه سرکوب جدید و قدیم با ترس و خشونت از جانب حکومت یونان مواجه میشود. حکومتی که برای سرکوب هر مخالفتی سریعآ وارد عملی میشود. نیروهای پلیس از طریق تحریک کردن و بکارگیری نیروهای افراطی تظاهرکنندگان را مورد تعقیب و حمله قرار داده و باعث ایجاد درگیری و خشونت در خیابانهای آتن می شوند.

مردم یونان با آمدنشان به خیابانها در سراسر کشور اتحاد خود را با دانش آموزان در آتن نشان دادند. در شهرهای Patras، Thessaloniki، Naupolio، و چندین شهر دیگر، دانش آموزان و کارگران به تظاهرات حمایتی در

حدود ساعت ۹ شب ششم دسامبر ۲۰۰۸، الکسیس گریگورپولیس (Alexis Grigoropoulos) ۱۵ ساله در منطقه اگراچیا آتن به ضرب گلوله بقتل رسید. او بی رحمانه و بی دلیل در خیابان کشته شد. الکسیس

قربانی حکومتی شد که به قصد سرکوب هر مخالفتی و برای ابقای نظم اجتماعی حاکم، مرتبا و بی محابا و بدون ترس از مجازات، گستاخانه زور خود را بکار می گیرد. اجرا کننده این قتل مشخص یک افسر ۳۷ ساله بنام اپامی ناداس کارکنی بود که به کمک یک یا چند نفر از همدستان خود مجازات مرگ را بر یک پسر غیر مسلح و بدون دفاع دلخواهانه و یک جانبه تحمیل کردند. شاید کارکنی و هم پالکپایش فکر می کردند که بخاطر موقعیت شغلیشان مورد سوء ظن مردم قرار نمی گیرند. ...

شاید آن افسر پلیس فکر می کرد که مرگ یک نوجوان در میان آنهمه وحشیگری زندگی روزمره در خیابانهای یکی از شلوغترین شهرهای اروپا گم خواهد شد. و یا احتمالا فکر می کرد که عمل او با تاریکی شب مستور خواهد شد. ولی مردم بزودی حقیقت امر را متوجه شدند. پلیس در صحنه با ادعای دفاع از خود در مقابل حمله سعی کرد عمل تیراندازی را توجیه کند. اما شواهد در صحنه در تناقض با ادعای پلیس در گزارشات روزنامه ها بود. و به محض آنکه شاهدین صحنه پیش قدم شدند و حقیقت امر

دانشگاههای یونان در جریان هست توسط مدیای مترقی و مستقل و هم چنین از طریق فورم ها و شبکه های اینترنتی نقل شده است. متأسفانه این درست است که از زمان به قتل رسیدن الکسیس خشونت در خیابانهای یونان رخ داده است. ولی هر موقع که مردم برای به مصاف کشیدن سرکوبگران خود به پا خواسته اند، به ندرت اوضاع آرام باقی مانده است. همان طوریکه بارها به درستی گفته شده است "انقلاب مهمانی شبانه نیست".

برخلاف آرزوهای مقامات دولتی، تظاهرات در آتن و سراسر یونان فروکش نکرده است و با وجود سرکوب پلیس و کمپین حمایتی شده از طرف دولت بر علیه دانش آموزان، در دهم دسامبر یک اعتصاب سراسری بر علیه تخلفات پلیس و دولت فراخوان داده شد تا برای کارگران سراسر یونان فرصتی فراهم آورد که اتحاد خود را با دانش آموزان و بر علیه دولت به گل نشسته یونان نشان دهند. اتحادیه های دانش آموزی به عنوان پیشتازان این کار وارد صحنه شده و زحمت نقشه کشیدن و سازمان دادن اعتصاب را به عهده گرفتند. معلمان دو روز و مدرسیان

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی کارگران!

ترس از شلوغ شدن شهر دولت را به عقب نشینی واداشت

۱۹۴ کارگر اخراجی لاستیک اردبیل با مبارزه کارگران به سر کار برگشتند

طبق گزارش بیژن مهدوی خبرنگار کانال جدید، کارگران کارخانه لاستیک سازی گلد استون (gold stone) واقع در ۵ کیلومتری شهر اردبیل، با تجمع اعتراضی خود در روز اول دیماه کارفرما و دولت را مجبور کردند ۱۹۴ رفیق اخراجی شان را به سر کار برگردانند.

در اطلاعیه‌های قبل به اطلاع رساندیم که کارگران لاستیک گلد استون از اول آذرماه دست به اعتصاب طولانی و تجمعات اعتراضی زدند و بیانیه ای حاوی خواسته‌های مهم آنها که در ۱۶ ماده تنظیم شده بود بصورت یک تومار امضا کردند و به مسئولین ارائه دادند. افزایش پایه حقوق، رسمی کردن کارگران موقت، امنیت شغلی و حق انتخاب نمایندگان خود، از جمله خواسته‌های کارگران است. کارگران در تجمع اعتراضی خود در روز ۱۷ آذر با توجه به قول و قرارهایی که به آنان داده شد تا اول دیماه به کارفرما مهلت دادند. در این فاصله مدیریت به بهانه انجام برخی تعمیرات کارخانه را بسته نگاه داشت. روز ۳۰ آذر حدود ۲۰۰ نفر از کارگران جمع شدند و قرار و مدار تجمع برای روز ۱ دیماه که قبلاً اولتیماتوم داده بودند گذاشته شد. روز ۱ دیماه کارگران وقتی میخواستند به کارخانه بروند متوجه شدند به به جای ۹ سرویس فقط ۴ سرویس کار میکنند. کارگران با

ماشین شخصی و به شکل های مختلف خود را به کارخانه رساندند. در آنجا متوجه شدند که مدیریت اسامی ۱۹۴ نفر را بعنوان اخراجی اعلام کرده است. بدنبال این موضوع کارگرانی که وارد کارخانه نشده بودند به طرف استانداری رفتند و درمقابل استانداری تجمع کردند. از ۱۵۰۰ کارگر این کارخانه حدود ۱۰۰۰ نفر در تجمع مقابل استانداری شرکت داشتند، اما بتدریج کارگران کارخانه سیمان و کارگران خدمات شهرداری نیز در مقابل استانداری دست به تجمع زدند و مردمی که شاهد تجمع کارگران بودند به کارگران پیوستند و جمعیت معترض به ۳۰۰۰ نفر رسید. این تجمع از اوایل صبح شروع شد و تا ساعت ۱۱ صبح ادامه داشت. پلیس و نیروی انتظامی در محل حضور داشت اما جرات مقابله با کارگران را نداشت. با اسکورت مدیریت را به محل تجمع آوردند که جواب کارگران را بدهد. ترس مسئولین و نیروهای انتظامی از کشیده شدن اعتراض به شهر و پیوستن مردم به اجتماع کارگران کاملاً مشهود بود. از کارگران خواسته شد برای شنیدن صحبت مدیریت به حیات استانداری بروند که در خیابان نباشند. با فشار کارگران مدیریت عقب نشست و همه ۱۹۴ کارگر اخراجی به سرکارشان بازگشتند. کارگران اعلام کردند که به کلیه خواسته‌های آنها در بیانیه ۱۶

بوکان که در ۳۵ کیلومتری شهر بوکان قرار دارد یک کارخانه خصوصی است. کارفرمای این کارخانه از اواخر تابستان امسال دستمزدهای کارگران را با تاخیرپرداخت کرده است و این کارگران دستمزد آذر ماه خود را طلبکار هستند.

اکثریت کارگران این کارخانه با قراردادهای موقت یک ماهه و سه ماهه مشغول بکار هستند و فقط

ماده ای باید پاسخ داده شود و در صورتی که به این خواسته‌ها رسیدگی نشود، تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت.

طبق این گزارش، تعدادی از کارگران فیلمی از گزارش کانال جدید درمورد اعتراض قبلی آنها تهیه کرده و به کارخانه آورده بودند و درمورد آن صحبت میکردند.

تجمع همزمان با کارگران اعتراضی سیمان و خدمات شهرداری و پیوستن مردم به تجمع اعتراضی کارگران یک حقیقت مهم را خاطر نشان کرد. مردم آمادگی حمایت از مبارزه بحق کارگران را دارند و این یکی از نقاط قوت مهم این اعتراض و یک عامل مهم عقب نشینی دولت و مدیریت بود. روی این نقطه قوت باید حساب کرد. بویژه تجمع همزمان کارگران چند کارخانه فضای دخالت و پیوستن مردم را بیشتر فراهم میکند. گام دیگری که باید توسط کارگران برداشته شود از یکطرف برگزاری منظم مجمع عمومی و از طرف دیگر تلاش پیگیر برای حضور فعال همسران کارگران و سایر اعضای خانواده های آنها در تجمعات اعتراضی است. جمهوری اسلامی قادر به مقابله با تجمعات متحدانه کارگران و خانواده هایشان نیست. چنین تجمعاتی بسرعت در شهر میپیچد و مردم زیادی را به حمایت از آن میکشاند.

تعداد کمی از آنان دارای قراردادهای شش ماهه و یکساله می باشند. بنا بر اظهار کارگران این کارخانه مرخصی اجباری دو هفته ای احتمالاً تا سال جدید طول بکشد و اعلام فقط دو هفته مرخصی اجباری بدون دستمزد صرفاً از سوی کارفرما تلاشی بوده است برای جلوگیری از اعتراضات کارگران این کارخانه. این موضوع مورد اعتراض کارگران است.

نامه حمایتی فدراسیون سندیکاهای هلند از منصور اسانلو و دو خبر از اعتراضات کارگری در سطح جهان

داوود رفاهی

نامه حمایتی فدراسیون سندیکاهای هلند (FNV) از منصور اسانلو

فدراسیون سندیکاهای هلندی که بیش از یک میلیون عضو دارد در یک اقدام جالب نامه ای تهیه کرده و از همکاران خواهش کرده است تا با امضاء این نامه خواهان آزادی منصور اسانلو بشوند. متن نامه به این شرح است.

منصور اسانلو را زنده نگه دارید

رهر سندیکای کارگران ایران، منصور اسانلو هنوز زنده است؛ و این بدلیل توجه افکار عمومی و رسانه های گروهی بوده است. ولی حال و روز اسانلو ۴۸ ساله چگونگی می گذرد، خود سؤال بزرگی است. در دستگیری قبلی او زبانش را بریدند.

حمایتتان را نشان دهید

چون زنده ماندن اسانلو رئیس هیئت مدیره رانندگان اتوبوس در تهران فقط و فقط مدیون افکار عمومی مردم است، فدراسیون سندیکاهای هلند (FNV) همگان را فرا می خواند که حمایت خود را از آزادی وی اعلام کنند. کمک کنید تا یک فشار بین المللی بر رژیم ایران وارد آوریم و اسانلو را از زندان بدنام رجایی شهر آزاد کنیم. هر یک امضاء می تواند مؤثر باشد.

ترجمه از متن هلندی از داوود رفاهی

اعتصاب بیش از ۱۰۰۰ کارگر در فرودگاه هنگ کنگ

بیش از ۱۰۰۰ تن از تعداد کل

۳۰۰۰ کارگر فرودگاه هنگ کنگ روز شنبه ۲۷ دسامبر به مدت سه ساعت دست از کار کشیدند و باعث تأخیر حداقل ۸۰ پرواز شدند. اعتراض این کارگران به تصمیم مدیریت برای تقلیل پاداش آخر سال به نصف است. مدیریت فرودگاه در ابتدا تصمیم داشت هیچگونه پاداشی به کارگران نپردازد، ولی وقتی با اعتراض کارگران مواجه شد موافقت خود را با پرداخت نصف آن اعلام کرد. این کارگران فعلاً تصمیم به تعویق اعتراض خود گرفته اند؛ چون مدیریت فرودگاه قول داده است روز ۵ ژانویه با مسئولین اتحادیه برای دستیابی به یک توافق به مذاکره بپردازد. مسئولین اتحادیه کارگران گفته اند چنانچه مذاکره به نتیجه مطلوبی نرسد، اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت. ۹ دسامبر ۲۰۰۸

اعتصاب بیش از صد هزار ماهیگیر در هندوستان

بیش از صد هزار کارگر ماهیگیر متعلق به ۵۱ شرکت ماهیگیری در منطقه Nagapattinam در ایالت Tamil Nadu هندوستان به مدت سه روز دست از کار کشیدند. این اعتصاب که از روز یکشنبه ۴ ژانویه شروع شد بمدت سه روز ادامه داشت. خواست اعتصابیون لغو وام‌های پرداخت شده بانکی به ماهیگیرانی که در اثر سونامی اخیر خسارت دیده اند، پرداخت بلافاصله غرامت به خانواده هایی که یکی از اعضایش در سونامی مفقود شده و رفع تبعیض بین ماهیگیران محلی و ماهیگیران شرکت‌های کشتیرانی اعلام شده است. ۶ ژانویه ۲۰۰۹

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

زنده باد سوسیالیسم

کارگران فرنخ، مه نخ و فزنخ قزوین جاده بین‌المللی را بستند

بنا به اخبار منتشر شده، نزدیک به هزار تن از کارگران کارخانه های فرنخ، مه نخ و فزنخ قزوین روز شنبه ۷ دیماه در جاده بین‌المللی این استان تجمع کرده و خواهان پرداخت

۳ ماه دستمزد پرداخت نشده خود شدند. در این اعتراض کارگران برای ساعاتی جاده را مسدود کرده و اقدام به آتش زدن لاستیک کردند. اخبار منتشره حکایت از این دارد که این

اعتراض کارگران مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز

بنا به اخبار منتشر شده، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز که تولید کننده قطعات خودرو می باشد، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و دستمزد خود و همچنین حق بیمه و بی‌توجهی مسئولان به مسائل بهداشتی و رفاهی کارگران، دست از کار کشیدند و در کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند. به گفته کارگران این کارخانه فعالیت مطلوبی داشته و مشکلی در فروش محصولات خود ندارد و در نتیجه پرداخت نکردن دستمزد کارگران هیچ

توجیهی نمیتواند داشته باشد. بنا به گفته کارگران این اولین باری نیست که کارگران خواهان رسیدگی به مطالبات خود شده اند اما هر بار جز وعده از کارفرما چیز دیگری دریافت نکرده اند. کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدگی کامل به

کارگران لاستیک البرز دو ماه از هفت ماه دستمزد معوقه خود را گرفتند

بنا به خبری که روز ۲۹ آذرماه به حزب رسیده است، پس از ماهها اعتراض و تجمعات مکرر کارگران این شرکت و بدنبال دو روز تجمع بی دری کارگران در روزهای ۲۴ و ۲۵ آذرماه، دو ماه از هفت ماه طلب کارگران لاستیک البرز به آنها پرداخت شد. طبق خبری که اتحادیه آزاد کارگران منتشر کرده است پولی که به کارگران پرداخت شده، ۸

درصد از دو ماه دستمزد کارگران کمتر است. کارگران علاوه بر این هشت درصد، هنوز ۵ ماه دستمزد خود را از این شرکت طلب دارند و نگران از دست دادن کار خود نیز میباشند. به کارگران وعده داده اند که با تحویل گرفتن کارخانه توسط دولت و انتخاب هیئت مدیره و دیر عامل کارخانه توسط یک هیئت دولتی، به مشکلات کارگران

رسیدگی خواهد شد. پرداخت دو ماه حقوق معوقه حاصل مبارزه هرروزه کارگران لاستیک البرز (کیان تایر) است. حاصل تجمعات کارگران در کارخانه و مقابل نهادهای دولتی است. حاصل اتحاد کارگران و مجمع عمومی و تصمیمات جمعی کارگران است و تنها با ادامه مبارزه متحدانه است که کارگران میتوانند بقیه طلب

گزارشی از انفجار در زرین شهر اصفهان

طبق گزارشی که به کانال جدید رسیده است، ساعت یازده شب گذشته ۸ دیماه، در منطقه زرین شهر اصفهان انفجار مهیبی روی داد و حداقل ۱۲ نفر کشته برجای گذاشت. تعدادی از اجساد قربانیان هنوز پیدا نشده است. انفجار در بخش مهمات کارخانه شیمیایی صنایع دفاع روی داده است. انفجار به حدی قدرتمند بود که شهر زرین شهر و شهرهای اطراف را به لرزه درآورد و برق بخش عمده ای از زرین شهر قطع شد و مردم را وحشت زده کرد.

پرسنل این کارخانه که حدود ۱۲۰۰ نفر میباشند نمی نظامی و نیمه کارمند هستند و چند روز قبل ۲۰۰ نفر از پرسنل آن اخراج شده اند. شایعات زیادی در مورد این

انفجار جریان دارد. تا این لحظه دولت نه از علت انفجار خبر داده است و نه از محل آن. شایعات زیادی در مورد علت این انفجار جریان دارد. میگویند یک علت آن قدیمی بودن مواد منفجره و ایمنی پایین آن بوده است. زمان دریافت خبر، عصر یکشنبه ۲۸ دسامبر (۸ دیماه ۱۳۸۷)

۳۰۰ کارگر مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز دست از کار کشیدند

روز ۱۲ دی بیش از ۳۰۰ نفر از کارگران مجتمع صنعتی شمال غرب تبریز (تولیدکننده قطعات خودرو) به دلیل نبود نقدینگی، پرداخت نشدن حقوق و دستمزد و حق بیمه و توجه نکردن به مسایل بهداشتی و

رفاهی کارگران با تجمع در کارخانه دست از کار کشیدند. نپرداختن دستمزد فشار سنگینی بر روی کارگران وارد کرده است و بنا به گزارشها این موضوع بعضا باعث بروز اختلافات خانوادگی در میان

کارگران بازنشسته ذوب آهن و خانواده هایشان جاده

اصفهان شهر کرد را بستند

طبق گزارش یوسف بهمنی خبرنگار کانال جدید، روز ۲۵ آذرماه بار دیگر کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان که اینبار خانواده هایشان نیز آنها را همراهی میکردند، دست به تجمع اعتراضی زدند و اتوبان اصفهان شهر کرد را مسدود کردند.

کارگران بازنشسته ذوب آهن خواهان افزایش حقوق بازنشستگی و همسان سازی حقوق خود با سایر بازنشستگان هستند. در تجمع قبلی خود در روز ۱۲ آذر فرماندار به میان کارگران آمد و قول رسیدگی به خواستههای کارگران را داد. بدنبال این

تجمع، جلسه ای با نماینده فرماندار، نمایندگان کارگران و مدیر ذوب آهن برگزار شد و به کارگران اعلام شد که مابه التفاوت حقوق بازنشستگی آنها طی چند مرحله پرداخت خواهد شد. وقتی نمایندگان کارگران این تصمیم را به کارگران گزارش دادند، کارگران پرداخت مرحله ای طلب های خود را

نپذیرفتند و به اعتراض خود ادامه دادند. کارگران سپس ۱۵ نفر از نمایندگان خود را به دفتر احمدی نژاد فرستادند که به آنها گفته شد که اقدام خواهد شد ولی این نیز وعده ای توخالی بود.

طبق گزارش یوسف بهمنی، ۵ سال قبل در مورد هماهنگ سازی حقوق کارگران، حدود ۳۸ میلیارد تومان به صندوق بازنشستگی کارگران واریز شده بود اما این پول توسط مسئولین مختلف و با بند و بستهای بالا کشیده شد و به کارگران داده نشد. بدنبال اعتراضات کارگران قرار شد طرح همسان سازی حقوقها از سال ۸۶ به اجرا گذاشته شود اما باز هم خبری نشد. کارگران به اعتراض ادامه دادند و در تجمع ۲۵ دیماه اولتیماتوم دادند که چنانچه تا آخر دیماه بنا به وعده داده شده پاسخ داده نشود، بار دیگر دست به تجمع اعتراضی خواهند زد.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه مهیا مان مقابل اداره

کار شاهین شهر اصفهان

روز ۱۲ دی کارگران کارخانه مهیا مان در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه از دستمزد هایشان دست از کار کشیده و از ساعت ۷ صبح با تجمع در مقابل اداره کار شاهین شهر اصفهان خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. این کارخانه وابسته به شرکت مهیا گاز است و حدود ۱۵۰ نفر کارگر دارد. کارفرمای این کارخانه در طول ۵ ماه گذشته علاوه بر عدم پرداخت دستمزدهای کارگران، بیمه آنان را رد نکرده و این کارگران از دیگر امکانات از قبیل سرویس، غذا و ... نیز محروم بوده اند. بنا بر گزارش سایت اتحاد، در این روز پس از تجمع کارگران، بلافاصله نیروهای انتظامی و لباس شخصی در محل حاضر شدند و پس از گفتگو با

کارگران قرار شد آنان در محوطه اداره کار به تجمع خود ادامه دهند و نماینده هایشان جهت مذاکره با مسئولین اداره کار به داخل ساختمان بروند. پس از این توافق نمایندگان کارگران به مذاکره با مسئولین اداره کار پرداختند و طی این مذاکره توافق شد روز دوشنبه ۱۶ دی جلسه ای در فرمانداری شاهین شهر با حضور نمایندگان کارگران و کارفرما و اداره کار برگزار گردد و طی آن به مطالبات کارگران رسیدگی شود. این تجمع تا ساعت ۱۱ صبح ادامه یافت و علیرغم وعده های داده شده برای رسیدگی به مطالبات آنان، کارگران اعلام کردند تا روز ۱۶ دی و تا رسیدن به مطالباتشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

زنده باد جنبش مجمع عمومی!



کردند.

این پرداخت از محل مبلغ یک صد میلیون تومانی صورت گرفت که پتروشیمی هگمتانه آنرا تعهد کرده بود. اما شرکت نیپک علی رغم آنکه کتاب تعهد شده بود، به تعهد خود عمل نکرد و اعلام نمود هیچ پولی برای پرداخت به کارگران ندارد.

با پیش آمدن این وضعیت و گستاخی مدیران شرکت نیپک در پاسخگویی به خواست های کارگران، آنان خشمگینانه ساختمان مدیریت شرکت را تا ساعت ۴ این روز به محاصره خود در آورده و اجازه خروج به کارکنان را ندادند.

در پایان این اعتراض کارگران اعلام کردند از روز شنبه ۲۱ دی ماه اعتراضات خود را با شدت بیشتری ادامه خواهند داد.

لازم به یاد آوری است به علت فشارهای مالی موجود بر روی کارگران، روز ۱۶ دی تعدادی از کارگران غیر بومی اقدام به تسویه حساب از شرکت کردند و به همین دلیل بخش زیادی از مبلغ یک صد میلیون تومانی که در این روز به کارگران پرداخت شد، صرف تسویه حساب شرکت نیپک با این دسته از کارگران گردید.

می باشد.

امافعالین کارگری هفت تپه بایان اینکه هیچگونه جرمی را مرتکب نشده اند، درعین حال ازدادگاه محترم تقاضا دارند که براساس انصاف و داد به پرونده آنها رسیدگی کند.

هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه

کارفرمای پتروشیمی هگمتانه به پرداخت یک صد میلیون تومان بابت حقوق کارگران و مدیر پروژه شرکت نیپک نیز به پرداخت باقی مطالبات کارگران متعهد شدند و قرار شد این امر تا روز دوشنبه ۱۶ دی طی صورت گیرد و صورت جلسه آن به امضای حاضرین درآمد.

بدنبال این تعهد کتبی کارگران شرکت نیپک، از برپایی اعتراضی شان منصرف شدند. اما اعلام داشتند که علیرغم وعده وعید های داده شده، تا پرداخت مطالباتشان به اعتصاب خود همچنان ادامه خواهند داد.

روز ۱۶ دی کارگران شرکت نیپک با دریافت یک ماه از دستمزدهای معوقه، در اعتراض به عدم پرداخت تمامی مطالباتشان ساختمان مدیریت را به محاصره خود در آوردند

شرکت پتروشیمی هگمتانه و پیمانکارش (شرکت نیپک) که روز چهارشنبه ۱۲ دی زیر فشار اعتراض کارگران در استانداری همدان، کتبا متعهد به پرداخت چهارماه از دستمزدهای معوقه کارگران تا روز دوشنبه ۱۶ دی شده بودند، در این روز تنها یک ماه از دستمزدهای معوقه این کارگران را پرداخت

یکماه اعتصاب و مبارزه کارگران نیپک همدان در اعتراض به ۴ ماه دستمزد معوقه خود

ماه دهم پرداخت نشده خود اقدام به بستن جاده کردند. پس از این اقدام کارگران نیروی انتظامی در محل حضور پیدا کرد. اما کارگران حاضر به پایان دادن به اعتراض خود نشدند و تا ساعت یک بعد از ظهر به اعتراض شان ادامه دادند.

در این روز مدیریت به کارگران وعده داد که در ۱۲ دی دستمزدها پرداخت خواهد شد. کارگران علیرغم تهدید و وعده وعیدها تصمیم گرفتند که روز ۱۲ دی در صورت عدم پرداخت دستمزدهایشان دوباره در اصلی شرکت را مسدود کنند.

روز ۱۱ دی همچنین تعدادی از کارگران در حالی که همکارانشان مشغول به مسدود کردن درب اصلی پتروشیمی هگمتانه بودند به دادگستری این شهر مراجعه و شکایتی را بر علیه کارفرما تسلیم دادگاه کردند.

روز ۱۲ دی کارگران شرکت نیپک همدان که قرار بود بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه از دستمزدهایشان درب اصلی پتروشیمی هگمتانه را مسدود کنند، قبل از این اقدام تصمیم گرفتند با مراجعه به استانداری همدان مطالبات خود را در آنجا مطرح نمایند.

بر اساس این تصمیم نماینده های کارگران نیپک به استانداری مراجعه کردند و طی نشست که با حضور استاندار، نماینده صنایع و نماینده اداره کار برگزار گردی،

پتروشیمی را مسدود کنند.

روز ۹ دی کارگران تصمیم خود را عملی کرده و درب ورود و خروج شرکت را مسدود کردند. در پی این اقدام، کارفرما از اداره کار و نیروهای انتظامی درخواست کمک کرد و آنان را به محل آورد.

نیروی انتظامی و نمایندگان اداره کار که خود را در برابر عزم کارگران برای گرفتن دستمزدهایشان دیدند با آنان وارد مذاکره شده و قول دادند روز چهارشنبه ۱۱ دی دستمزدهای آنان را از کارفرما بگیرند. کارگران اعلام داشتند که تا وقتی دستمزدهایشان پرداخت نشود به اعتصابشان ادامه خواهند داد. و چنانچه در ۱۱ دی مدیریت بقبول خود عمل نکند اعتراض خود را با اشکال گسترده تری به پیش خواهند برد.

صبح روز یازدهم دی به جای پرداخت دستمزد کارگران، حراست شرکت پتروشیمی هگمتانه از ورود کارگران به داخل شرکت جلوگیری کرد و همین امر باعث شد که کارگران شرکت نیپک برای دومین بار درب اصلی ورود و خروج پتروشیمی هگمتانه در همدان را بسته و از ورود و خروج ماشین آلات جلوگیری کنند و کارخانه به حالت تعطیل درآمد.

ساعت هفت و نیم صبح این روز کارگران بر اساس قرار قبلی قصد ورود به شرکت داشتند که با ممانعت حراست پتروشیمی مواجه شدند. از همین روز کارگران در اعتراض به ۴

کارگران نیپک همدان که از روز بیستم آذر ماه در اعتراض به چهار ماه عدم پرداخت دستمزدهایشان در اعتصاب بسر می برند به اعتصاب خود ادامه میدهند. در این مدت مسئولین شرکت و پتروشیمی هگمتانه مرتباً تلاش به سرداندن کارگران داشته و زیر فشار کارگران مدیریت کارخانه قول داد که روز ۵ دی دستمزدهای معوقه آنان پرداخت خواهد شد.

کارفرمای شرکت نیپک بهانه نپرداختن دستمزد کارگران را عدم پرداخت صورت وضعیت کارهای انجام شده تا کنونی این شرکت از سوی پتروشیمی هگمتانه اعلام کرده بود و گفته بود که باید ابتدا کارفرمای اصلی پول به حساب شرکت نیپک واریز کند تا این شرکت دستمزدهای کارگران را پرداخت نماید. کارگران این شرکت به وعده مدیریت مبنی بر پرداخت دستمزدهایشان در ۵ دی گوش نداده و به اعتصاب خود ادامه دادند. روز ۵ دی نه تنها دستمزدهای معوقه کارگران پرداخت نشد، بلکه مدیریت به آنان اعلام کرد هیچ پولی در کار نیست و کارگران باید به سر کارهایشان باز گردند.

بدنبال این وضعیت کارگران به خشم آمده و به دفتر شرکت نیپک حمله برده و آنرا در محاصره خود گرفتند و ضمن یافشاری بر ادامه اعتصاب خود، تصمیم گرفتند که روز دوشنبه ۹ دی درب ورود و خروج

روی زنجان که این بار با بهانه بحران جهانی دست به این اخراج ها زده و چندین خط تولید را متوقف کرده است. کارگران علت تعطیلی کارخانه را دزدی های مدیریت و فروش تجهیزات و زمین شرکت میدانند.

بنا به گزارش ها شرکت اقتصاد مهر ایرانیان وابسته به موسسه مالی و اعتباری مهر که زیر مجموعه سپاه پاسداران و بسیج است سهامدار عمده این شرکت می باشد.

تجمع اعتراضی ۵۰۰ کارگر سرب و روی زنجان علیه اخراجها

روز دوشنبه ۹ دی ۵۰۰ کارگر اخراج شرکت سرب و روی زنجان در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی بر پا کرده و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. این ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت سرب و روی ایران در دو ماه اخیر از کار اخراج شده اند. مدیر مجتمع بزرگ صنعتی سرب و

دادگاه پنج نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه برگزار شد

امروز ۳۰ آذر ۱۳۸۷ پنج تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای نیشکرهفت تپه، بنامهای علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، جلیل احمدی و محمد حیدری مهردر محل دادگاه دزفول حاضر شدند. در ساعت ۹ صبح جلسه دادگاه برگزار شد و در ساعت

۲۰ و ۲۱ به پایان رسید. آقای فخرالدینی وکیل پرونده در پایان جلسه اعلام کرد که دادگاه در هفته آینده حکم فعالین کارگری هفت تپه را به او ابلاغ می کند. و با امیدواری از نتیجه دادگاه گفت که احتمال برائت این ۵ تن بسیار زیاد است. لازم به ذکر است که در این جلسه دادگاه مسئله جدیدی عنوان نشد و همان موارد ارسال بود. و عنوان جرم هم تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی

گزارش بهرام، خبرنگار کانال جدید از صنایع فلزی شماره دو در تهران کارگران صنایع فلزی کارفرما را گروگان گرفتند و خواهان محاکمه او در کارخانه شدند



در کارخانه او را محاکمه کنند. شرکت در مقابل بیمارستان طوس چهار راه مطهری را پیدا کرده و به کارگران در کارخانه خبر دادند. همه کارگران فوراً خود را به این محل رساندند. در محل همسایه ها با کارگران همکاری می‌کردند. همسایگان به کارگران گفته بودند که افرادی که در این دفتر هستند مواد سوختی قاچاق می‌کنند و همسایه ها به چشم مشکوکی به آنها نگاه می‌کنند. بیش از سیصد نفر از کارگران آنجا بودند و به مردم توضیح میدادند که چرا جمع شده اند و دستمزدهای تعویق افتاده خود را می‌خواهند. اعضای مدیریت نیز به مردم می‌گفتند به اینها نزدیک نشوید اینها اشرار هستند. مردم اما فعالانه به کارگران کمک کردند. کارگران تصادفا ماشین بیان الحق را که در آن نزدیکی بود گرفتند و چند نفر از همسایه ها نیز به کارگران برای گرفتن او کمک کردند. کارگران بیان الحق گرفتند و به کارخانه بردند. بیان الحق وانمود کرد حالش خوب نیست. کارگران او را به بهداری بردند. در و دیوار کارخانه را کارگران با پلاکاردها پر کرده بودند و در حین تجمع و حرکت بین صنایع فلزی شماره یک و دو نیز پلاکاردهای خود مبنی بر دستمزدهای پرداخت نشده را همراه داشتند. پلیس به محل آمد و به کارگران گفت شما حق ندارید بیان الحق را نگهدارید و گروگانگیری غیر قانونی است. کارگران هم گفتند ندادن دستمزدها غیرقانونی است و بیان الحق باید محاکمه شود. کارگران پلیس را به داخل راه ندادند و درها را بستند. سرانجام دو پلیس را راه دادند و بعد از آنها تعدادی لباس شخصی و پلیس وارد شدند. همه جا نیروی مسلح بود. مرتب کارگران را تهدید می‌کردند. می‌گفتند بیان الحق را بدهید ما بازداشت می‌کنیم و او را دادگاه محاکمه می‌کند. کارگران گفتند او را تحویل نمی‌دهیم قاضی بیاید همین جا

روز شنبه ۳۰ آذر کارگران صنایع فلزی شماره دو در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، در محل صنایع فلزی شماره یک که دفتر مدیریت در آنجا واقع شده است تجمع کردند. همه کارگران در این تجمع شرکت داشتند. یکی از مزدوران سپاه پاسداران به آنجا آمد و کارگران را تهدید کرد و درگیری شد و کارگران او را کتک زدند. کارگران همچنین یک کانکس را در صنایع فلزی شماره یک واژگون کردند. مدیریت کارگران را تهدید کرد و کارگران از کارخانه خارج شدند و قرار ادامه اعتراض را برای روز یکشنبه گذاشتند.

روز یکشنبه اول دیماه ۲۰۰ نفر از مجموع ۳۵۰ نفر کارگر صنایع فلزی شماره دو در مقابل برج نگین در مقابل پارک ساعی که متعلق به مدیریت این کارخانه است، تجمع کردند. کارگران موفق نشده بودند که سایر همکارانشان را برای این حرکت خبر کنند. در محل مردم و صاحبان مغازه های زیر برج نیز که صاحب قبلی آنان کارفرمای همین شرکت بوده و ظاهراً سر خریداران آن کلاه گذاشته و پول زیادی به جیب زده است، کارگران صنایع فلزی را مورد حمایت قرار دادند. از تجمع کارگران عکس می‌گرفتند و محل شلوغ شده بود. روبروی این محل بانک قرار داشت. پلیس از ترس حمله کارگران به بانک محل را گرفته بود. در همین موقع بیان الحق یکی از مدیران شرکت به کارگران گفته بود من میروم اداره کار شما نیز به آنجا بیائید تا صحبت کنیم. کارگران به اداره کار رفتند اما متوجه شدند که بیان الحق دروغ گفته است. این موضوع کارگران را بیشتر عصبانی کرد. کارگران قرار ادامه حرکت را گذاشتند و به خانه های خود رفتند. روز دوشنبه ۲ دیماه تعدادی از کارگران در کارخانه طوماری امضا کردند مبنی بر اینکه باید متحد عمل کنند و بر خواسته هایشان تاکید کردند. در همان هنگام چند نفر از

صبح سه شنبه ۳ دیماه از طرف دفتر قضایی که قرار بوده حکم بدهد آمدند که بیان الحق را از کارگران تحویل بگیرند و به دادگاه ببرند. کارگران قبول نکردند و اعلام کردند که دادگاه را همین جا تشکیل دهید. پلیس به کارگران گفت شما نمایندگان را بفرستید تا در دادگاه شرکت کنند. فردمنش مدیر کل صنایع فلزی نیز در دادگاه است و هر دو را دادگاهی خواهیم کرد و جواب شما را می‌دهیم. هم نمایندگان کارگران و هم نمایندگان شورای اسلامی به محل دادگاه رفتند و دادگاه در غیاب بیان الحق برگزار شد اما نمایندگان کارگران را به دادگاه راه ندادند. فقط نمایندگان شورای اسلامی به دادگاه رفتند. سپس نمایندگان شورای اسلامی برای دادگاه به کارخانه برگشتند با ژستی که گویا کار مهمی صورت داده اند. حکم دادگاه از این قرار بود که به هر کارگر صد هزار تومان بدهند و کارخانه نیز راه اندازی شود. سرویس ها نیز از روز بعد شروع به کار کند. کارگران با شنیدن این حکم از دادگاه و از شورای اسلامی بشدت عصبانی شدند. در ابتدا فضا متشنج شد. کارگران در نمازخانه جمع شدند. یکی از کارگران سرش را میکوبید که با این پول چه کنم. یکی دیگر گریه میکرد. بیان الحق همچنان در گروگان کارگران بود. پلیس به داخل کارخانه آمد و گفت که باید بیان الحق را تحویل دهید و حکم دادگاه لازم الاجرا است. ولی کارگران قبول نکردند. پلیس به کارگران گفت اگر قبول نکنید گارد ضد شورش به کارخانه می آید و او را میبرد. کارگران گفتند شما قصد حل مشکل ما را ندارید شما طرفدار کارفرما هستید. چند ماه حقوق به ما نداده اند. این آیا غیر قانونی نیست؟ سرانجام کارگران تصمیم گرفتند بیان

الحق را تحویل پلیس بدهند. شهریور ماه امسال مدام ادامه داشته و در ماههای آبان و آذر چندین تجمع اعتراضی توسط کارگران سازمان داده شده است. در تجمع کارگران در ماه آذر، کارگران شرکت واحد و رانندگان کامیون که در محل تجمع حضور داشتند با ایجاد راهبندان از کارگران صنایع فلزی حمایت کردند. ۳دی خود از سال ۸۵ شروع شده و از ۱۳۸۷

شاپور احسانی راد

دوازدهم دی ماه هشتاد و شش روز اتحاد کارگران پروپیل ساوه گرمی باد

بی شک روز چهارشنبه دوازدهم دی ماه هشتاد و شش روزی تاریخی برای ما کارگران پروپیل ساوه میباشد. روزی که کارگران به طور خودجوش متحد و یکصدا خروشدند و یکصدا فریاد بر آوردند که دو نفر از نماینده های ما باید بر سر کار برگردند و بدون يك ذره عقب نشینی از مطالبات خود به پیروزی رسیدند و همگی با هم سرفراز و پیروزمندانه بر سر کار بازگشتند. آنروز ترندهای مدیر کارخانه موثر واقع نشد و کارگران تحت تاثیر این ترندها قرار نگرفتند و فقط خواست خود را تکرار کردند:

زنگنه، فولادوند حمایتت می کنیم. روز پیروزی کارگران مبارکباد

خواست امروز ما کارگران یکصدا، حقوق، عیدی، پاداش حق مسلم ماست

همکاران گرمی

به خوبی میدانیم که در این روزها کارفرما به بهانه های واهی و با تهدید و ارباب و اخراج و با دیر پرداخت کردن حقوق ماهیانه، ندادن مساعده، جابجایی های تحقیر آمیز کارگران از این واحد به آن واحد، جلوگیری از آوردن حتی لقمه صبحانه از درب نگهبانی، ندادن عیدی (شش ماه اول) و ندادن پاداش افزایش تولید (شش ماه اول) فشار همه جانبه ای را به کارگران و خانواده های آنها وارد کرده است و تعدادی از کارگران بدلیل اینکه تحمل این همه حقارت و ستم را نداشتند از کارخانه رفتند و تعداد بی شماری از آنان نیز مورد غضب کارفرما قرار گرفته و از کار خود اخراج و بیکار شدند. ولی همه کارگران یقین دارند که همچون دوازدهم دی ماه هشتاد و شش میتوانند با اتحاد و انسجام خود یک بار دیگر فریاد " حقوق، عیدی، پاداش حق مسلم ماست" را سر دهند.

ریشه کن باد استثمار

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

یازدهم دی ماه هشتاد و شش، شاپور احسانی راد نماینده اخراجی کارگران نورد و پروپیل ساوه و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشره از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران



دور جدید مبارزات کارگران پوریس در سنندج

هستیم. روز ۳ دی کارگران پوریس در اعتراض به عدم پاسخگویی به خواسته‌هایشان علیرغم بارش باران از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع زدند. این تجمع تا ساعت ۱۴/۳۰ ادامه داشت. در این روز کارگران پوریس همچون روزهای دیگر خواهان پاسخ فوری اداره کار سنندج به دیوان عدالت اداری بودند و علیرغم بوروکراسی موجود که تهیه نامه و ارسال آن به ادارات، تا یک ماه طول میکشد، این کارگران با اعتراض و پیگیری قاطعانه خود موفق شدند پس از چهار روز از دریافت نامه دیوان عدالت توسط اداره کار سنندج، این اداره را ناچار به پاسخگویی به دیوان عدالت اداری بکنند و جوابیه اداره کار سنندج به دیوان عدالت ارسال شد.

در این روز ماجرا به این صورت اتفاق افتاد که ساعت ۱۲ ظهر به کارگران پوریس اعلام شد که پاسخ

از سوی دیگر کارفرمای پوریس با استفاده از این فرصت و تنگناهای مالی شدید کارگران در صدد بر آمده است از طریق تبانی با نادر محمدی رئیس روابط کار اداره کار سنندج و فرستادن پیام و پسغام به کارگران، آنان را بدون پرداخت دستمزد ایام بلاتکلیفی و با قرار داد یکماهه بر سر کار بازگرداند. در این میان مسئولین اداره کار نیز کارگران پوریس را به کوتاه آمدن در برابر کارفرما ترغیب کرده است. اما کارگران پوریس در ادامه مبارزاتشان اعلام داشتند که در مقابل این وضعیت کوتاه نخواهند آمد. در نتیجه این وضعیت کارگران کارخانه پوریس بعد از ماهها اعتراض و مبارزه، همچنان در سرگردانی و فشار شدید مالی بسر میبرند و در میان ادارات و مقامات مختلف دولتی پاسکاری میشوند.

تحت چنین شرایطی ما شاهد دور تازه‌ای از مبارزات کارگران پوریس

بدنبال صدور رای بازگشت بکار کارگران پوریس و مکلف کردن کارفرما به پرداخت دستمزدهای ایام تعلیق این کارگران، این حکم مورد شکایت کارفرمای شرکت پوریس قرار گرفت. بر اساس شکایت کارفرما دیوان عدالت اداری جمهوری اسلامی حکم توقف اجرای این حکم را صادر کرد. در نتیجه اکنون باید اداره کار سنندج در دیوان عدالت اداری از رای هیئت حل اختلاف این اداره دفاع کند و تا زمانی که دفاعیه اداره کار سنندج به دیوان نرسد، دیوان عدالت رای نهایی خود را در مورد شکایت و خواست کارفرمای پوریس صادر نخواهد کرد.

به این ترتیب کارگران پوریس قربانی بوروکراسی حاکم شده اند و علیرغم صدور رای قطعی و لازم الاجرا از سوی هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج به نفع آنها، بدون دریافت دستمزدی همچنان بلاتکلیف هستند.

فراخوان کمک مالی به کارگران پوریس سنندج

ما متحدانه ایستاده ایم کارگران، همسرنوشتان

سه ماه از مقاومت ما کارگران ریسندگی پوریس سنندج در مقابل ستم سرمایه داران می گذرد. در این مدت ما و خانواده هایمان فشارهای روحی و معیشتی طاقت فرسایی را متحمل شده ایم. اما طرز تلقی ما از تحمل این فشارها به مثابه مبارزه

کارگران کارخانه فرش غرب کرمانشاه هر دوشنبه در مقابل کارخانه تجمع میکنند

بدنبال اعتراضات و شکایات کارگران فرش غرب کرمانشاه، هیئت تشخیص اداره کار کرمانشاه روز چهارشنبه ۵ دی رأی خود را در مورد خواسته‌های این کارگران صادر کرد. بر اساس این رای کارفرما باید سه ماه از دستمزدهای معوقه کارگران را به همراه مابه التفاوت عیدی آنان و بن کارگری سال ۸۶ به کارگران فرش

طبقه کارگر برای رسیدن به دنیایی عاری از ستم و استثمار، تملخی آن را برایمان به شیرینی تبدیل کرده است. اینک و پس از گذشت سه ماه از تحمل این فشارها، رای هیئت حل اختلاف اداره کار سنندج که در نتیجه مبارزه متحدانه ما صادر شده بود در راهروهای ادارات قضایی گرفتار آمده و این بار دشمنان طبقاتی ما بصورت آگاهانه و سازمان یافته ای میکوشند از طریق تحمیل یک رو در رویی فرسایشی بر کارگران، نیروی متحد و یکپارچه ما را تحلیل برده و در هم

غرب کرمانشاه پرداخت نماید. طبق این رای هر يك از طرفین ۱۵ روز مهلت دارند تا نسبت به این رای اعتراض خود را اعلام کنند و چنانچه یکی از طرفین به این رای اعتراض نمایند مرجع رسیدگی بعدی هیئت حل اختلاف اداره کار کرمانشاه خواهد بود.

کارگران فرش غرب کرمانشاه از زمان تعطیلی کارخانه توسط کارفرما در اول مهر ماه امسال هر روز در مقابل درب بسته کارخانه تا پایان ساعات کاری تجمع کرده و بارها به

عدالت ارسال گردید. در ادامه این اعتراضات کارگران پوریس روز چهارم دی نیز در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع زدند. اما به دلیل عدم حضور رئیس اداره کار سنندج در محل کارش، به این کارگران اعلام شد روز شنبه هفتم دی ماه کار آنها انجام خواهد شد. با ارسال نامه به دیوان عدالت اداری رژیم، کارگران تصمیم گرفتند که قرار قبلی خود مبنی به تجمع در مقابل دیوان عدالت در تهران در ۱۰ دی را فعلا متوقف کنند و به جای آن کماکان در مقابل اداره کار سنندج تجمع نمایند تا امور نهایی مربوط به ارسال دفاعیه اداره کار سنندج به دیوان عدالت انجام گیرد.

خانواده هایمان، مقاومت متحدانه ما را بشما به بخشی از مبارزه طبقه کارگران ایران در هم بشکنند.

زنده باد همبستگی کارگری
دوم آذر ماه هزار و سیصد و هشتاد و هفت - کارگران شرکت ریسندگی پوریس سنندج

شماره حساب:
1331925431 بانک ملت
شعبه حافظ سنندج به نام محمد شریف ساعد پناه و آرش عزتی امینی

دیگر نظیر تجمع در مقابل ادارات مربوطه در استان و حتی در تهران بزنند. یاد آوری می شود روز ۱۶ دی ماه مهلت اعتراض کارفرما به رای صادره از سوی هیئت تشخیص اداره کار کرمانشاه به پایان می رسد. کارگران هم اکنون به صورت شیفتی هر روز يك شیفت تا پایان ساعت کاری در مقابل درب بسته کارخانه حضور پیدا میکنند و روزهای دوشنبه هر هفته نیز برای تصمیم گیریهای جمعی همه آنان در مقابل کارخانه تجمع می کنند.

اداره کار به دیوان عدالت ارسال شده است و آنان باید به تجمع خود پایان دهند. اما کارگران دست از تجمع نکشیده و تعدادی از آنها برای کسب اطلاع از صحت موضوع به اداره پست مراجعه کردند. اما در کمال تعجب متوجه شدند نامه ارسال نشده است و نادر محمدی مسئول روابط اداره کار سنندج که در میان کارگران به تبانی با کارفرمایان مشهور است، به آنها به دروغ گفته است. با فاش شدن موضوع و اعتراض شدید کارگران، محمدی ناچار شد نامه را این دفعه در حضور نمایندگان کارگران به دیوان عدالت ارسال نماید و نامه ساعت ۲ عصر در با پست پیشتاز به دیوان

چهار نفر از کارگران تماس گرفته و آنان را دعوت بکار کرده است تا از این طریق در میان مان شکاف ایجاد نموده و مقاومت یکپارچه ما را در هم بشکنند.

اما یاران!

ما متحدانه ایستاده ایم و در این شرایط چشم امید مان به یاری شماست تا اندکی از آلام تحمیل شده بر همسر و فرزندانمان کاهش پیدا کند و کارفرما قادر نشود با استفاده از حربه تحمیل بیش از پیش گرسنگی بر

روزی دوشنبه شانزدهم دی ماه کارگران فرش غرب کرمانشاه طبق روال هر دوشنبه در مقابل کارخانه تجمع کردند و بر سر مسئله بلاتکلیفی و حقوق های معوقه خود و همچنین در مورد چگونگی رسیدن به مطالباتشان با هم به بحث و تبادل نظر پرداختند. کارگران که منتظر سپری شدن مهلت ۱۵ روزه برای اعتراض از جانب کارفرما به رأی صادره از سوی هیئت تشخیص اداره کار کرمانشاه هستند، مصمم شده اند که در صورت گردن نهادن کارفرما به خواست هایشان دست به اقداماتی

استانداری و اداره کار نیز مراجعه نموده و خواهان رسیدگی به مشکلاتشان شده اند.

لازم به یاد آوری است از زمان تعطیلی کارخانه فرش غرب کرمانشاه و شروع کشمکش کارگران با کارفرما، استانداری کرمانشاه پیشنهاد وام دو میلیارد تومانی و تهیه مواد اولیه را به کارفرما ارائه داده است اما کارفرما این مسئله را قبول نکرده و با بهانه های واهی اعلام نموده است که نمیتواند کارخانه را فعال کند.

به گزارش مندرج در سایت اتحاد،



چهارم دیماه سومین سالروز اعتصاب بزرگ کارگران شرکت واحد گرمی باد

اتوبوسرانی تهران و حومه با حضور در پایانه های اتوبوسرانی تهران، با استقبال گرم همکاران، این روز بزرگ را گرمی داشتند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه این روز را به همه کارگران ایران و جهان شادباش می گوید و دست همه تلاشگران و فعالین این عرصه را برای بهبود وضعیت زندگی کارگران می فشارد و خواستار آزادی بی قید و شرط منصور اسالو

رئیس هیئت مدیره سندیکا و پایان بخشیدن به سرکوب و پرونده سازی ها علیه فعالین کارگری است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ایمان راسخ دارد جنبش کارگری ایران با اتحاد و همبستگی بیش از پیش قادر خواهد شد مصائب موجود را پشت سر گذاشته و نوید بخش صلح، شادی و رفاه برای عموم انسانها باشد.

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۴/۱۰/۱۳۸۷

چهارم دی ماه برای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و همه کارگران ایران یادآور حق خواهی و حق طلبی می باشد. پس از گذشت سه سال از اعتصاب بزرگ کارگران شرکت واحد، علیرغم همه سختی ها و دشواریها، ما همچنان متحد و استوار برای بهتر شدن شرایط زندگی کارگران ایستاده ایم و تا رسیدن به همه خواسته های کارگران دست از تلاش و مبارزه بر نخواهیم داشت.

چهارم دی ماه برای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و همه کارگران ایران یادآور حق خواهی و حق طلبی می باشد. پس از گذشت سه سال از اعتصاب بزرگ کارگران شرکت واحد، علیرغم همه سختی ها و دشواریها، ما همچنان متحد و استوار برای بهتر شدن شرایط زندگی کارگران ایستاده ایم و تا رسیدن به همه خواسته های کارگران دست از تلاش و مبارزه بر نخواهیم داشت.

در بزرگداشت این روز، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد

کارگران عقب نمی نشینند

مصاحبه "روز" با سعید ترابیان عضو مسئول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد

ها از قبیل دستمزدهای پائین، کم شدن توان خرید کارگران، گران شدن اجاره بهای مسکن و اخراج های بی دلیل شاهد اعتراضات فراوان در کشور و روی آوردن شمار هر چه بیشتری از کارگران به تشکل های مستقل کارگری هستیم که این موضوع نیز باعث شده است فعالان کارگری تحت فشار مضاعف قرار گیرند. اما خوشبختانه این موارد هیچ تاثیری بر کارگران و فعالان کارگری نداشته است و آنان برای رسیدن به حقوق شان يك قدم هم عقب نخواهند نشست.

"روز": انتظار فعالان و تشکل های کارگری در ایران از اتحادیه های بین المللی کارگری و سازمان های بین المللی در ارتباط با اوضاع جاری چیست؟ آیا فکر می کنید که اعتراض های بین المللی به بازداشت ها یا احضارهای فعالان کارگری در ایران تا چه اندازه می تواند مثر شمر واقع شود؟

ترابیان: اعتراض به این برخوردهای امنیتی و قضایی، یکی از اصلی ترین خواسته های فعالین کارگری است. به ویژه که جمهوری اسلامی ایران باید پایبند مقوله نامه های بین المللی باشد که آنها را پذیرفته است.

مسئولان جمهوری اسلامی ایران باید این نکته را در نظر بگیرند که کارگران به جز يك زندگی شرافتمندانه، چیز دیگری نمی خواهند، اما نه تنها با این کمترین خواسته ها هم موافقت نمی شود، بلکه جلوی این درخواست قانونی گرفته می شود. به نظر من، و با توجه به موارد پیشین، حمایت ها و همبستگی بین المللی می تواند کارگران ایران را در رسیدن به اهدافشان کمک کند.

حکیمی گفته است که وثیقه را نپذیرفته است و از خانواده اش نیز خواسته است که از گذاردن وثیقه برای آزادی او خودداری کنند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری - ۱۴ دی ۸۷

اداره کار شمال تهران، د رمیدان اقدسیه، توسط ماموران لباس شخصی بازداشت شد.

"روز": آیا شما و یا خانواده آقای مددی از مکان نگهداری و دلیل بازداشت او اطلاع دارید؟

ترابیان: تا جایی که خبر داریم، آقای مددی روز یکشنبه از پایگاه یک پلیس امنیت به دادسرا منتقل شد و پس از آن، او را به زندان اوین منتقل کرده اند.

"روز": به جز بازداشت آقایان مددی، حکیمی و امیری، بازداشت و یا احضارهای دیگری نیز صورت گرفته است؟

ترابیان: اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد از طریق تماس تلفنی احضار شده اند که در پاسخ گفته شده است که تنها با دریافت احضاریه های کتبی، خود را معرفی خواهند کرد، اما تا به امروز هیچ احضاریه کتبی به دست کسی نرسیده است.

"روز": در هفته های اخیر، فشار امنیتی و قضایی بر روی فعالان کارگری در ایران شدت گرفته است. شما دلیل آن را چه می دانید؟ آیا این ارتباطی با تشدید بحران اقتصادی و رشد اعتراض های کارگری در ایران نیز دارد؟

ترابیان: این فشارها، کار امروز و دیروز نیست. از زمانی که کارگران به حقوق خود آشنا شده اند و داشتن تشکل مستقل کارگری و نماینده واقعی را حق مسلم خود می دانند و برای متحد شدن به این سو در حرکت هستند، این فشارها شدت گرفته است. در عین حال، به خاطر نارضایتی

بعد از ظهر روز شنبه ۷ دی ابراهیم مددی، نایب رییس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، در اداره کار شمال تهران، بازداشت شد. این چندمین بار است که در طول سه سال اخیر و بدنبال اعتصاب با شکوه سال ۸۴ کارگران شرکت واحد، ابراهیم مددی دستگیر و زندانی میشود. در رابطه با این دستگیری، سعید ترابیان، مسئول روابط عمومی و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، در گفت و گو با "روز" که در ۹ دی انجام گرفته است می گوید: "این برخوردها هیچ تاثیری بر کارگران و فعالان کارگری نداشته است و آنان برای رسیدن به حقوق شان يك قدم هم عقب نخواهند نشست."

متن گفتگوی "روز" با سعید ترابیان:

"روز": نحوه بازداشت ابراهیم مددی به چه صورت بوده است و آخرین خبر از وی چیست؟

ترابیان: ابراهیم مددی که بعد از اعتراضات صنفی سال 1384 کارگران شرکت واحد بازداشت و بعد از تحمل دو ماه زندان آزاد شده بود، در سال 1386 در شعبه 14 دادگاه انقلاب تهران محاکمه شد. بعد از دو ماه، حکم سه سال و نیم زندان برای آقای مددی صادر کردند و به دلیل اینکه هیچ نسخه ای از این حکم به وی تحویل داده نشده بود، ولذا او در انتظار این حکم بود، قاضی دادگاه عدم اعتراض ابراهیم مددی را به منزله قبولی حکم از سوی او دانست و حکم برای اجرا به اداره اجرای احکام فرستاده شد. پس از آن، آقای مددی در

آخرین خبر از ادامه زندان

محسن حکیمی و بیژن امیری

طبق اطلاع رسیده ظهر امروز، شنبه، 14 دی 1387 محسن حکیمی طی تماسی تلفنی به

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org

سایت کارگران

www.kagaran.org

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

دستگیری فعالین کارگری را محکوم می کنیم! دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند!

بنا به گزارشات منتشر شده، حراست کارخانه ایران خودرو بیژن امیری عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل های کارگری و از کارگران این کارخانه را روز ۲ دیماه دستگیر کرد و به نیروهای امنیتی تحویل داد. در همان شب و هنگام یورش نیروهای حکومتی به خانه او، محسن حکیمی عضو کانون نویسندگان ایران و از فعالین کمیته هماهنگی که در خانه بیژن امیری بوده را نیز دستگیر میکنند. بنا به خبری که خانواده و وکیل محسن حکیمی در اختیار رسانه ها قرار داده اند، در حال حاضر محسن حکیمی و بیژن امیری در بند ۲۰۹ اوین زندانی می باشند. بنا به خبر دیگری که "انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و حقوق بشر ایران" در اختیار سایتها قرار داده است، نیروهای اداره اطلاعات استان کردستان، روز ۳ دیماه بختیار رحیمی را که سال گذشته چند ماهی را در زندانهای جمهوری اسلامی گذراند و مدت زمان زیادی نیست که آزاد شده است، بار دیگر دستگیر کرده و به مکان نامعلومی می برند. همچنین نیروهای امنیتی روز ۴ دیماه به منزل پدرام نصرالهی حمله می کنند و او را دستگیر و برخی اموال شخصی او را نیز با خود میبرند. طبق این خبر نیروهای امنیتی به تعقیب تعدادی دیگر از فعالین کارگری پرداخته و با تماس تلفنی از خانواده هایشان خواسته اند که خود را به اداره اطلاعات محل زندگی خود معرفی کنند.

حزب کمونیست کارگری دستگیری بیژن امیری، محسن حکیمی، بختیار رحیمی و پدرام نصرالهی را قویاً محکوم می کند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها و کلیه زندانیان سیاسی است. حزب کارگران و همه مردم را

به مبارزه متحدانه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی فرامی خواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۵ دسامبر ۲۰۰۸، ۵ دیماه ۱۳۸۷

اعتراض نامه اتحادیه کارگران پست کانادا به جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با دستگیری و سرکوب فعالین کارگری در ایران

۷ ژانویه ۲۰۰۹
آیت الله سید علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی
محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران
آقایان عزیز:

بنمایندگی از ۵۶ هزار عضو اتحادیه کارگران پست کانادا، من به شما بخاطر موج جدید دستگیری و سرکوب فعالین کارگری در ایران شدیداً اعتراض میکنم. تا آنجا که من مطلع شده ام حداقل فعالین کارگری قید شده در ذیل در مناطق مختلف ایران در زندان میباشند:

منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه که از جولای ۲۰۰۷ در زندان میباشند و به ۵ سال حبس محکوم شده است. اسانلو بارها توسط نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته است. وی دارای مشکلات جسمانی جدی میباشد.

آقای افشین شمس، عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلات کارگری، عضو کمیته دفاع از محمود صالحی و نیز انجمن کاریکاتوریستها میباشد. افشین شمس به یک سال زندان محکوم شده است. حکم وی بدون حضور وکیلش به وی ابلاغ شده است.

آقای فرزاد کمانگر، معلم ۳۳ ساله که فعال حقوق بشر و اتحادیه ای در استان کردستان میباشد. وی به مجازات اعدام توسط دولت ایران محکوم شده و بسختی شکنجه شده است.

آقای محسن حکیمی، عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری و نیز عضو کانون نویسندگان ایران میباشد، که توسط نیروهای امنیتی لباس شخصی در حدود نیمه شب ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸ در تهران دستگیر میشود. طبق آخرین اخبار، ایشان در بند ۲۰۹ زندان اوین محبوس میباشند.

آقای بیژن امیری، که کارگر خودروسازی و عضو هیئت کوهنوردی کارگران میباشد، توسط نیروهای انتظامی شرکت ایران خودرو در روز ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸ در کارخانه دستگیر میشود. طبق آخرین اخبار رسیده، ایشان در بند ۲۰۹ زندان اوین زندانی میباشند.

آقای ابراهیم مددی، معاون رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه.

آقای پدرام نصرالهی، عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلات کارگری در کردستان که در ۲۴ دسامبر ۲۰۰۸ دستگیر شده اند.

آقای بختیار رحیمی، فعال کارگری در کرستان که در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۸ دستگیر شدند. آقای رحیمی قبلاً نیز بازداشت شده و پس از چند ماه آزاد شده بودند.

علاوه بر این موارد، بسیاری فعالین کارگری در حبس تعلیقی بسر میبرند و یا به دادگاه کشیده شده اند. تعداد زیادی از فعالین کارگری در ایران بخاطر فعالیتها کارگری از کار معلق و یا اخراج شده اند. این شامل بسیاری از اعضای سندیکای واحد در تهران میباشد، همچنین پنج تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۸ دادگاهی شده اند و در انتظار

حکم دادگاه میباشند. اتحادیه کارگران پست کانادا نسبت به این دستگیریها و سرکوب فعالین کارگری در ایران معترض میباشد. ما مصرانه خواهان آزادی فوری و بیقید و شرط تمامی فعالین کارگری زندانی هستیم. ما از حکومت ایران میخواهیم که حقوق کارگران مبنی بر سازماندهی تشکل، تجمع و اعتصاب را محترم شمرده و به سرکوب و تعقیب فعالین کارگری خاتمه داده و در امور مربوط به تشکلات مستقل کارگری مداخله ننماید.

با احترام،
دنيس ليميلين
رئيس سراسري
اتحادیه کارگران پست کانادا

دادگاه "بختیار رحیمی" یکی از فعالین کارگری مریوان برگزار شد

طبق خبر سایت اتحاد کارگری، روز سه شنبه ۱۰ دی "بختیار رحیمی" فعال جنبش کارگری و عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" به اتهامات واهی در شهر مریوان دادگاهی شد.

ظاهراً دادگاه اعلام کرده که اتهام "بختیار" عضویت وی در این نهاد کارگری می باشد. قابل یادآوری است

"صالح بهرامی" فعال کارگری در شهر دیواندره دستگیر شد

یک نبی این هفته هم، چندین مرتبه از جانب افراد ناشناس به موبایل او زنگ زدند و از وی خواسته اند که از تبلیغ و آگاهگری در میان کارگران دست بردارد. دستگیری این فعال کارگری در پشت مدرسه مهرگان سابق صورت گرفته است. با شنیدن این خبر،

روز سه شنبه ۱۰ دی، ساعت دو نیم عصر، "صالح بهرامی" فعال کارگری توسط دسته ای از لباس شخصی های رژیم دستگیر شد. او روز پنج شنبه گذشته نیز یک بار به اداری اطلاعات این شهر احضار شده بود و در طول روزهای جمعه، دوشنبه و

روز سه شنبه ۱۰ دی، ساعت دو نیم عصر، "صالح بهرامی" فعال کارگری توسط دسته ای از لباس شخصی های رژیم دستگیر شد. او روز پنج شنبه گذشته نیز یک بار به اداری اطلاعات این شهر احضار شده بود و در طول روزهای جمعه، دوشنبه و

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهوره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلاریزاسیون عمودی (Vertical)
سایت کانال جدید:
آدرس تماس:

<http://www.newchannel.tv>
kanaljadid@yahoo.com
tv.anternasional@yahoo.com



به کمپین اعتراضی کارگران برای خواست افزایش دستمزدها پیوندید

افزایش دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست

یاران و همکاران

سالمات ما کارگران به دلیل دستمزدهای پایین و افزایش بی وقفه هزینه های زندگی با فقر و نداری دست و پنجه نرم می کنیم و بطور دائمی و روزمره شرمندانه همسر و فرزندان خود هستیم. در طول این سالها هر کدام از ما بنوبه خود تلاش کرده ایم از طریق اضافه کاریهای طاقت فرسا و دست و پا کردن شغل دومی، درصد ناچیزی از رنج و آلام خانواده هایمان برای گذران زندگی را کاهش دهیم.

اما واقعیت این است که دیگر با این دستمزدها و گرانی سرسام آور موجود، نه اضافه کاری و نه شغل دوم نمیتواند گرهی از فقر و تنگدستی ما باز کند. گذشته از این، آیا شایسته است ما به دلیل دستمزدهای پایین و فشار کمرشکن هزینه های زندگی مجبور شویم تن به اضافه کاریهای طاقت فرسا و شغل دوم بسپاریم و شبها جسم و روح رنجور و فرسوده خود را به منزل برساییم و حالی و فرصتی برای استراحت و تفریح و بودن در کنار خانواده نداشته باشیم.

دوستان و همکاران

ما تولید کنندگان اصلی تمامی ثروتها و نعمات موجود در جامعه هستیم و این حق مسلم ماست که فقط با اشتغال در ساعات رسمی کار، چنان دستمزدی دریافت کنیم که ضمن بر خورداری از رفاه و آسایش، دیگر مجبور نشویم به اضافه کاریهای طاقت فرسا و شغل دوم تن در دهیم.

این حق ماست و حق گرفتاری است. از اینرو ما امضا کنندگان این بیانیه از شما همکاران در تمامی کارخانه ها، پروژه های خدماتی و

ساختمانی و غیره در سراسر کشور میخواهیم تا با امضای گسترده طومار زیر به عنوان قدم اول برای افزایش دستمزدها به حرکت ما پیوندید.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه - اتحادیه آزاد کارگران ایران - سندیکای کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت تپه - انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه - کارگران شرکت ریسندگی پریس - کارگران کارخانه شاهو - کارگران فرش غرب بافت و جمعهایی از کارگران:

عسلویه - شرکت صنایع فلزی - لوله و پوشش سلفچگان - لاستیک البرز - نورد لوله و پروفیل ساوه - شرکت مکان سازان - پتروشیمی پلی اتیلن سنگین کرمانشاه - کارخانه فرامان صنعت - کارخانه اخگر گاز - شرکت سیم کابل - آجر پزی شیل سنندج - کارخانه نیر پارس - گونی بافی سما - شرکت آجین سازه - کارخانه فراساز - صنایع شیمیایی اصفهان LAB - پتروشیمی اصفهان و جمعهایی از کارگران ساختمانی

26 آذر ماه هزار و سیصد و هشتاد و هفت

توضیح:

کارگرانی که در سراسر کشور قصد پیوستن به طومار جمع آوری امضا برای افزایش دستمزدها را دارند میتوانند با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرند:

۱- تهران و استانهای شمالی:

رضا شهبایی
09192034087

جعفر عظیم زاده
09123368772

۲- استانهای جنوبی:

علی نجاتی
09169483504

رضا درخشان

09169420430

۳- استانهای مرکزی:

شاپور احسانی راد

09192550373

۴- استانهای غربی:

جوانمیر مرادی

09188871405

۵- شریف ساعد پناه

09189710274

استان اصفهان:

محمد رضا خوششکار:

09139068974

۶- استان آذربایجان شرقی و غربی:

سلام شیخی

09194802028

از : کارگران کارخانه ها، کارگران ساختمانی، خدمات و ...

به : شورایی عالی کار

رونوشت به: وزارت کار و امور اجتماعی و نمایندگان مجلس شورای اسلامی

دستمزد و حقوقی که طی سالهای گذشته برای ما کارگران و سایر بخشهای حقوق بگیر همچون معلمان، بازنشستگان و کارمندان جزء تعیین شده است، بهیچوجه در طول این سالها کفاف هزینه های زندگی ما را نکرده و با سیر صعودی هر ساله تورم، سال به سال خانواده های ما در فقر و فلاکت بیشتری فرو رفته اند. بطوریکه در شرایط حاضر و با توجه به گرانی سر سام آور مایحتاج زندگی، ما دیگر قادر به تامین حداقل معیشت نیز برای خود و خانواده هایمان نیستیم.

سال قبل حداقل دستمزد را برای سال هشتاد و هفت 219600 تومان تعیین کردید، اما میزان خط فقر بالای ششصد هزار تومان بود، این در حالی است که در طول سال جاری با افزایش بی سابقه تورم، فقر و فلاکت بیش از پیش سایه شوم خود را بر زندگی ما گستراند و کمر

ما بیش از هر زمان دیگری در زیر فشار فقر و نداری خرد شد.

هر انسان شریف و منصفی که در این مملکت زندگی میکند میداند که حتی با یک میلیون تومان هم، نمیتوان آنچه آنچنانکه شایسته ی شان انسان است زندگی کرد.

حال سوال ما از همه شما کسانی که در کلیه سطوح دولتی در تعیین حداقل دستمزدها سیاست گذاری می کنید این است که آیا واقعا حاضرید با دو صدت - سیصد هزار تومان در ماه، حتی سه روز زندگی کنید؟ پس چرا ما کارگران باید این را قبول کنیم؟ چرا ما باید این را قبول کنیم که سهم ما از تولید اینهمه ثروت و نعمت در جامعه، فقر

و فلاکت روز افزون باشد؟ ما اعلام میکنیم که دیگر نمیتوانیم زیر خط فقر زندگی کنیم و تداوم این زندگی برای ما غیر قابل تحمل است. از این رو ما خواهان تعیین حداقل دستمزد با احتساب تامین یک زندگی شرافتمندانه و مرفه برای یک خانواده چهار نفره از طریق دخالت مستقیم نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران هستیم.

تامین یک زندگی شرافتمندانه و انسانی حق ما کارگران و تمامی مزد بگیران است و این خواستی است که ما با امضای این طومار مصرا نه بر آن پای می فشاریم.

بیانیه ی دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب اصفهان در حمایت از کمپین افزایش دستمزدها

را به زندگی در فقر مجبور می کنند.

ما دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه اصفهان که همواره دفاع از حقوق مردم محروم در دستور کارمان قرار داشته و اعتراض به فقر و گرانی و بیکاری را از وظایف خود می دانیم، حمایت کامل خود را از کمپین برای افزایش دستمزدها در ایران اعلام می کنیم.

امید است این بیانیه گامی موثر و مفید باشد در راه نزدیک کردن هرچه بیشتر جنبش دانشجویی به سایر جنبش های اجتماعی. همچنین از دانشجویان سراسر کشور دعوت می کنیم به این حرکت اجتماعی پیوندند.

دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب دانشگاه اصفهان - 29 آذر

جنبش دانشجویی همواره خود را از متحدان جنبش های اجتماعی به ویژه جنبش کارگری و جنبش زنان می داند و همواره از مبارزات اقشار مختلف جامعه حمایت می کند.

وضعیت اسف بار زندگی امروز بر هیچکس پوشیده نیست و کسی نمی تواند فشار کمرشکن تورم و گرانی را بر اقشار تهیدست جامعه انکار کند. حتی اگر امثال وزیر رفاه ادعا کنند که در ایران کسی زیر خط فقر شدید زندگی نمی کند همه می دانند که این یک ادعای پوچ است و امروزه بخش عظیمی از کارگران ایران در فقر شدید زندگی می کنند.

دستمزد ها در ایران در سطح بسیار پایین قرار دارد و مسئولین با تعیین ناعادلانه ی حداقل دستمزد آن هم زیر خط فقر مطلق آگاهانه و عمدانه بخش زیادی از مزدبگیران



فرزاد کمانگر

باشید قلب انسانیت که ناگفته‌های بسیاری از مردم و سرزمینش را به همراه دارد از مردمی که تاریخشان سراسر رنج و اندوه و درد بوده است.

بگذارید قلبم در سینه‌ی کودکی بتپید تا صبحگاهی از گلوئی با زبان مادرم فریاد برارم:

"من ده مه وی بیمه بایه

خوشه ویستی مروف به رم

بو گشت سوچی نه م دنیاییه"

معنی شعر: می خواهم نسیمی شوم و "پیام عشق به انسانها" را به همه جای این زمین پهناور ببرم.

فرزاد کمانگر بند بیماران عفونی، زندان رجایی شهر کرج - مورخ ۸ دی ۸۷ - تاریخ نگارش: ۲ دی ۸۷ بند امنیتی ۲۰۹ اوین

فرزاد کمانگر باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شود

همونعانه" تصمیم گرفته ام اعضای بدنم را به بیماریانی که مرگ من

میتواند به آنها زندگی ببخشد هدیه کنم و قلبم را با همه ی "عشق ومهری" که در آن است به کودکی هدیه نمایم. فرقی نمیکند که کجا باشد بر ساحل کارون یا دامنه سیلان یا در حاشیه ی کویر شرق و یا کودکی که طلوع خورشید را از زاگرس به

نظاره می نشیند، فقط قلب یاغی و بیقرارم در سینه کودکی بتپید که یاغی تر از من آرزوهای کودکیش را شب ها با ماه و ستاره در میان بگذارد و آنها را چون شاهدی بگیرد تا در بزرگسالی به رویاهای کودکی اش خیانت نکند، قلبم در سینه کسی بتپید که بیقرار کودکی باشد که شب سرگرسنه بر بالین نهاده اند و یاد "حامد" دانش آموز شانزده ساله شهر من را در قلبم زنده نگهدارد که نوشت: "کوچکترین آرزویم هم در این زندگی

جهان پهناورتان بتپد فقط مواظبش

زندان من روئیدن بنفشه را در تاریکی و سکوت به نظاره نشستم.

قرار بود زندان مفهوم زمان و ارزش آن را در ذهنم به فراموشی بسپرد، اما من با لحظه ها در بیرون از زندان زندگی کرده ام و خود را دوباره به دنیا آورده ام برای انتخاب راهی نو. و من نیز مانند زندانیان پیش از خود تحقیرها، توهینها و آزارها را ذره ذره، با همه وجود به جان خریدم تا شاید آخرین نفر باشم از نسل رنج کشیدگانی که تاریکی زندان را به شوق دیدار سحر در دلشان زنده نگه داشته بودند.

اما روزی "محاریم" خواندند، می پنداشتند به جنگ "خدا"یشان رفته ام و طناب عدالتشان را بافتند تا سحرگاهی به زندگیم خاتمه دهند و از آن روز ناخواسته در انتظار اجرای حکم میباشم. اما امروز که قرار است زندگی را از من بگیرند با "عشق به

نامه ای از فرزاد کمانگر: آقای اژه ای، بگذار قلبم بتپد

ماههاست که در زندانم، زندانی که قرار بود اراده ام را، عشقم را و انسان بودنم را درهم بشکند. زندانی که باید آرام و رام میکرد چون "بره ای سر بره"، ماههاست بندی زندانی هستم با دیوارهایی به بلندای تاریخ. دیوارهایی که قرار بود فاصله ای باشد بین من و مردم که دوستشان دارم، بین من و کودکان سرزمینم فاصله ای باشد تا ابدیت، اما من هر روز از درچه سلولم به دور دستها میرفتم و خود را در میان آنها و مثل آنها احساس می کردم و آنها نیز دردهای خود را در من زندانی میدیدند و زندان بین ما پیوندی عمیق تر از گذشته ایجاد نمود.

قرار بود تاریکی زندان معنای آفتاب و نور را از من بگیرد، اما در

بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در حمایت از فرزاد کمانگر

تشکلات مدافع حقوق بشر همچنان از قطعی بودن حکم اعدام فرزاد کمانگر و خطری که جان این معلم و فعال صنفی را تهدید میکنند گزارش می دهند.

نظر به گزارشات فوق و گفته های وکیل آقای کمانگر مبنی بر فقدان اسناد و ادله در پرونده ای که آقای کمانگر به اعدام محکوم گردید، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن محکوم نمودن این محکومیت غیر حقوقی، خواست خود را مبنی بر آزادی آقای فرزاد کمانگر با رسیدگی علنی و منصفانه بر پایه قوانین و مقاله نامه های مربوطه اعلام می نماید.

همچنین ما از اخبار دریافتی که وضعیت جسمی آقای کمانگر را وخیم

ایشان رخ نداده است. آنچه که تاکنون در مورد پرونده فرزاد کمانگر برای افکار عمومی روشن شده است، اینست که نیروهای امنیتی تلاش کرده اند به هر ترتیبی شده، اتهامات بی اساسی را بروی وارد کنند تا قادر شوند بدین وسیله حکم اعدام فرزاد را توجیه نمایند.

پرونده فرزاد کمانگر تنها پرونده موجود برای وارد کردن اتهامات بی اساس بر معترضین به وضعیت موجود نیست. علاوه بر صدها پرونده این چنینی در مورد معلمان دانشجویان، کارگران و زنان،

اداره اطلاعات سنج طمی شش روز بازجویی و وارد کردن انواع فشارهای روحی و جسمی بر طیب ملایی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش کرده است بر وی بقبولاند که مرتبط با یکی از احزاب بوده است. اما طیب در مقابل این فشارها مقاومت کرده و علیرغم این مقاومت و پس از آزادی، شبها

توصیف می نماید نگران گشته ایم. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از همه مقامات و مسئولین می خواهد تا با توجه به اصول منشورهای جهانی و مقاله نامه ها و معاهدات بین المللی که به امضای نمایندگان ایران نیز رسیده است، رفتار نمایند و خود را ملزم به اجرای بدون قید و شرط همه ی مفاد آن بدانند.

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

30/9/1387

ما خواهان لغو فوری حکم اعدام و آزادی فرزاد کمانگر از زندان هستیم

بنا بر اخبار منتشره حکم اعدام فرزاد کمانگر علیرغم همه اعتراضات داخلی و بین المللی همچنان قطعی است و تاکنون هیچ تغییری محسوس در روند پرونده این معلم و حکم صادره در مورد

دستان خود متمرکز کرده اند. این حکم دون شان انسان است و باید برای همیشه از زندگی بشر برچیده شود. اتحادیه آزاد کارگران ایران

همدوش با تمامی انسانهای شریف و آزادیخواه، خواهان لغو فوری حکم اعدام فرزاد کمانگر و آزادی وی و پایان دادن به پرونده سازیهای بی اساسی است که هر روزه بر علیه انسانهای شریف و معترض در این جامعه اعمال میشود.

ایران بلکه در تمامی نقاط دنیا، اساساً ابزاری است در دست طبقات حاکم برای به تمکین واداشتن کل جامعه و حفظ سیطره مثنی اقلیت

ناچیز که ثروتهای اجتماعی را در زمانی که در خواب است دچار آشفتگی میشود و مادرش ناچار وی را از خواب بیدار کرده و بر بالینش می گیرد.

این است اساس پرونده انسانهای شریفی همچون فرزاد کمانگر که علیه فقر و تبعیض و ظلم و ستم در این جامعه فریاد سر کشیده اند.

از نظر ما حکم اعدام نه تنها در ایران بلکه در تمامی نقاط دنیا، اساساً ابزاری است در دست طبقات حاکم برای به تمکین واداشتن کل جامعه و حفظ سیطره مثنی اقلیت

ناچیز که ثروتهای اجتماعی را در جمعی از کارگران اصفهان در راستای همبستگی با کارگران پریس اقدام به جمع آوری کمک مالی به این کارگران کرده و امروز مبلغ یک میلیون ریال به حساب کارگران پریس واریز کردند. اتحادیه آزاد کارگران ایران با قدردانی از کارگران اصفهان به عزم و اراده این دوستان در تعمیق و گسترش همبستگی طبقاتی در میان کارگران درود می فرستد و همینجا بار دیگر بر اهمیت کمک مالی به کارگران پریس تاکید میکند و عموم کارگران، تشکلهای و نهادهای کارگری را به کمک مالی عاجل به کارگران پریس فرا میخواند. زنده باد همبستگی کارگری- اتحادیه آزاد کارگران ایران - هشتم دی ماه هشتاد و هفت

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!